

چکیده

حکمرانی حکمی، نظریه‌ای مبتنی بر عقل نظری، عقل عملی، عقل معاش، عقل معاد و وحی الهی در راستای پرورش بینش، منش و کنش فرد و جامعه است. این نوع حکمرانی، شیوه حل مسئله‌های عمومی را به شکلی توانمند در اختیار حکمرانان قرار می‌دهد. این پژوهش، ضمن ارائه تعاریف حکمرانی مدرن و هوش مصنوعی به تبیین حکمرانی ولایی در سوره مائده و حکمرانی مردمی در بیانات مقام معظم رهبری با استفاده از روش تحلیل مضمون پرداخته و در نهایت نظریه «حکمرانی حکمی» پیشنهاد شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، حکمرانی حکمی مشتمل بر نه رکن ۱- هویت حکمرانی، ۲- مأموریت حکمرانی، ۳- قلمرو حکمرانی، ۴- مبانی حکمرانی، ۵- منابع حکمرانی، ۶- الگوی حکمرانی، ۷- اصول حکمرانی، ۸- اهداف حکمرانی ۹- ویژگی حکمرانان است. همچنین در پایان، چستی سیاست‌گذاری حکمی و فرایند آن و تنظیم گری حکمی و نیز مقایسه تطبیقی حکمرانی مدرن و حکمرانی حکمی ارائه گردید.

■ واژگان کلیدی

حکمرانی مدرن، حکمرانی ولایی، حکمرانی حکمی، سیاست‌گذاری حکمی، تنظیم‌گری حکمی، هوش مصنوعی، سوره مائده.

نظریه حکمرانی

«مدرن»، «ولایی» و «حکمی»

بر اساس ادبیات معاصر، هوش مصنوعی و سوره مائده

عبدالحسین خسروپناه دزفولی

استاد فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مدرس خارج فقه حکمرانی، تهران، ایران
(khosropanahdezfuli@gmail.com)

۱- مقدمه و بیان مسئله

پس از جنگ جهانی دوم، تحولات شگرفی در منطقه و جهان رخ داد که هم اکنون نیز با شدت بیشتری در حال پیشروی است. در این میان تغییرات گسترده در علم و فناوری‌های نوین، به ویژه تئوری‌های علوم اجتماعی و نظریه‌های دولت - ملت و ساخت تراشه و سلول اتمی و فناوری‌های کوانتومی بر نظم بین‌المللی تأثیر چشمگیری گذاشته است. این تحولات جهانی، ناکارآمدی ایدئولوژی‌های مدرن را آشکار ساخت و از یک سو ابرقدرت شوروی را به فروپاشی کشاند و از سوی دیگر ابرقدرت امپریالیسم آمریکا با ظهور چین و روسیه و هند و برزیل و ایران قدرتمند، تزلزل یافت.

جهانی‌شدن به مثابه یک ایدئولوژی به معنای بین‌المللی شدن یا باز بودن مرزها، به جهت کاهش حاکمیت دولت‌ها و محدودیت دموکراسی ملت‌ها، گرفتار چالش جدی گشت. دیدگاه پایان تاریخ و انسان فوکویاما در ۱۹۹۲ و برخورد تمدن‌های هانتینگتون در ۱۹۹۶ و بازگشت به دوران فئودالی کوربین در ۱۹۹۶ به انزوا رفتند. اکنون نیز شکست و بی‌اعتباری جهانی رژیم صهیونیستی در منطقه به ویژه بعد از «طوفان الاقصی» بر همگان آشکار شده است. همچنین قدرت اقتصادی چین و هند و روسیه در مقابل قدرت اقتصادی آمریکا به طرز نوبنی در حال شکل‌گیری است؛ هر چند شرکت‌های جهانی و چندملیتی و فرادولتی با حکمرانی فراملی در چارچوب منطق سرمایه‌داری، ناکامانه به دنبال بی‌اهمیت‌سازی بلکه پایان دولت‌ها هستند.

قدرت تمدنی ایران اسلامی در منطقه با بنیان‌های فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جریان مقاومت افزایش چشم‌گیری یافت. دغدغه اصلی آمریکا برای سلطه بر انرژی خاورمیانه و حضورش در افغانستان و عراق و خلیج فارس تغییر کرده و قدرت استراتژی چین اولویت نخست آمریکا شده است. این تغییر دکتترین و راهبردی آمریکا بعد از کووید^۱ نوزده شدت بیشتری پیدا کرد.

در این میان زیست‌جهان گروه‌های نوجوان و جوان در دنیا، مسئله دیگری است که تحول عجیب و سریعی پیدا کرده و با گسترش فضای مجازی و انقلاب پلتفرم‌ها، نسبی‌گرایی معرفتی و ابتدال‌گرایی رفتاری در بینش و منش و کنش آنها، مستقر گشته است.

حال پرسش مهم این است که در این وضعیت تحولی گوهری، چگونه باید حکمرانی کرد و حکمرانی توانمند در حل مسئله‌های خانوادگی و ملی و منطقه و بین‌المللی چیست؟ حکمرانی و مؤلفه‌های آن چیست؟ روش‌شناسی کشف حکمرانی صحیح چیست؟ سیاست‌گذاری و تنظیم‌گذاری چیست؟ الگوهای حکمرانی اجتماعی چیست؟ لازم به ذکر است نگارنده در این مقاله تنها به چیرستی حکمرانی و چیرستی سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری حکمی پرداخته است.

۲- حکمرانی مدرن در ادبیات معاصر

در ابتدای بحث ضروری است که به چند نکته مهم درباره حکمرانی پرداخته شود. حکمرانی، مفهومی بسیار پیچیده با ابعاد متنوعی است؛ به گونه‌ای که پژوهشگران مختلف با مبانی و رویکردهای متفاوت اعم از فلسفه و علوم اجتماعی و علوم اسلامی در کشف و خلق آن نقش داشته و به آن پرداخته‌اند. لذا داشتن نگاه بین‌رشته‌ای در بررسی این مفهوم امری ضروری است.

همچنین در فهم حکمرانی، نباید به تعریف لغت‌نامه و معنای صدور فرمان و امر کردن و قضاوت نمودن بسنده کرد و «حکم» را به معنای امر، داوری، منشور و «رانی» را به معنای صفت فاعلی حاصل مصدر و به معنای راندن و سوق دادن گرفت.^۱ پس باید به تعریف اصطلاحی حکمرانی توجه داشت؛ هر چند ارتباطی با معنای لغوی خواهد داشت. نکته مهم دیگر این که باید بین مفهوم حکومت و مفهوم دولت و مفهوم حکمرانی فرق نهاد. در ترجمه‌های موجود واژه (State) و (Government) به معنای حکومت و دولت و یا بر عکس ترجمه شده است. به نظر نگارنده، واژه اول به معنای اقتدار سیاسی در مرز جغرافیایی مشخص و بدون محدودیت زمانی و مأموریت هدایت و راهبری جامعه و در بردارنده قوای سه‌گان‌هاست و واژه دوم به معنای اقتدار سیاسی در مرز جغرافیایی مشخص و دارای محدودیت زمانی و مأموریت هدایت و راهبری جامعه است و تنها شامل دستگاه‌های اجرایی قوه مجریه می‌گردد. واژه (Governance) به معنای حکمرانی است و نوعی اقتدار راهبری و هدایت‌گری جامعه در نهادهای دولتی، بخش خصوصی، نهادهای بین‌المللی و بخش مردم‌نهاد و تعاونی‌های مردمی به شمار می‌آید. تعریف‌های متعددی

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ و محمد معین، فرهنگ فارسی معین، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸

در خصوص مفهوم «حکمرانی» در ادبیات شخصیت‌های غربی و شرقی گسترش یافته است که در این بخش مهم‌ترین تعریف‌های تخصصی با رویکردها و رهیافت‌های مختلف و در زمینه اندیشه مدرن به شرح ذیل بیان می‌شود.

تعریف نفیس‌گرایی مارک بیور^۱: حکمرانی به طور خلاصه می‌تواند به معنای تمامی فرآیندهای حکومت کردن باشد. در این معنا، حکمرانی دربرگیرنده الگوهایی از حاکمیت است که گروه‌هایی در بخش خصوصی و داوطلبانه آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند.^۲ تعریف نهادگرایی گای پیترز^۳: حکمرانی به مفهوم راهبری اقتصاد و جامعه به سمت اهداف جمعی بوده و خط‌مشی‌های عمومی ابزارهای تحقق آن است.^۴

تعریف نهادگرایی جان پیر^۵: حکمرانی به طور کلی بیشتر به ترکیب منابع عمومی و خصوصی می‌پردازد تا رقابت در بخش عمومی. با این حال، حکمرانی یک راه جایگزین برای تولید و ارائه خدمات است و بنابراین از رقابت بین ابتکارات عمومی و خصوصی استقبال می‌کند.^۶

تعریف شبکه‌ای ژوپ کوپنجان^۷: حکمرانی فرایندی است که داخل شبکه‌های حکمرانی شکل می‌گیرد. اگر چه شبکه‌های حکمرانی به شیوه‌های مختلفی مفهوم‌سازی شده‌اند، اما بیشتر تعاریف موجود دارای این مختصات هستند. ویژگی شبکه‌ها، مسائل پیچیده سیاستی است که یک کنشگر به تنهایی نمی‌تواند آن را حل کند؛ بلکه نیازمند اقدام جمعی چندین

۱. فیلسوف تاریخ بریتانیایی و استاد علوم سیاسی و مدیر مرکز مطالعات بریتانیا در دانشگاه کالیفرنیا (Mark Bevir)

2. Governance can refer abstractly to all processes of governing. Governance here echoes the ways in which patterns of rule operate in and through groups in the voluntary and private sectors. (Bevir, 2012).

۳. استاد دولتی آمریکایی در دانشگاه پیتسبورگ و استاد حکمرانی تطبیقی در دانشگاه زپلین (آلمان) و استادیار دانشگاه سیتی هنگ کنگ (Guy Peters)

4. We have conceptualized governance as steering the economy and society toward collective goals, and public policies are the means through which that steering occurs (Peters, et al. 2022, pp. 1-16)

۵. استاد پژوهشگر سوئدی در بخش علوم سیاسی دانشگاه گوتنبرگ و استاد مدیریت عمومی در دانشکده دولت ملبورن، دانشگاه ملبورن و استادیار دانشگاه پیتسبورگ (Jon Pierre)

6. Governance is generally more concerned with blending public and private resources than with competition in the public sector. That said, governance represents an alternative way to produce and deliver services, and therefore it welcomes competition among public and private initiatives (Peters and Pierr, 1998. Pp:223-243)

۷. دانشمند علوم سیاسی هلندی و استاد مدیریت دولتی در بخش مدیریت دولتی در دانشگاه آراسموس روتردام (Joop Koppenjan)

کنشگر است. به این دلیل که منابع لازم برای حل مسائل متعلق به کنشگران متفاوتی است؛ لذا معمولاً در شبکه‌ها وابستگی متقابل بسیار زیادی میان کنشگران وجود دارد. این وابستگی متقابل سطح بالایی از پیچیدگی راهبردی و خط‌مشی‌های پیش‌بینی‌ناپذیر را ایجاد می‌کند؛ چرا که کنش‌های یک کنشگر بر منافع و راهبردهای دیگر کنشگران اثر می‌گذارد. در شبکه‌ها کنشگران مختلفی حضور دارند که هر یک دارای ذهنیت خود از مسائل، راه‌کارها و راهبردها هستند که سبب می‌شود تا تعاملات پیچیده‌ای در این شبکه‌ها شکل بگیرد. این مهم تفاوت‌های قابل توجهی در ذهنیت‌ها، اختلاف ارزش‌ها و مخالفت‌ها در رابطه با سیاست‌هایی که باید اجرا شده و خدماتی که باید ارائه شوند، ایجاد می‌کند. تعاملات شبکه‌ای در طول زمان، پایدارند.^۱

۱۱

تعریف فراحکمرانی باب جزوپ^۲: فراحکمرانی برای توصیف یک گرایش متضاد به تغییر از حکومت به حکمرانی، یعنی تغییر از حکمرانی به فراحکمرانی، یعنی «سازمان‌دهی شرایط برای خودسازمان‌دهی» معرفی شد.^۳

تعریف حکمرانی سالم علی فرازمند^۴: در برابر ایده حکمرانی خوب، بنده ایده حکمرانی سالم را از حکومت ایران باستان و حکومت داریوش اخذ نمودم. از نظر من، حکمرانی سالم همهٔ مشخصات حکمرانی خوب را دارد. حکمرانی خوب در بن خود یک دیکتاتوری پنهان دارد؛ به نحوی که کشورهایی که در مسیر جهانی‌شدن حرکت نکنند از سوی کشورهای

1. Governance is the process that takes place within governance networks. Although governance networks are conceptualized in a variety of ways, most definitions have certain common characteristics: Networks are characterized by complex policy problems that cannot be solved by one actor alone, but require the collective actions of several actors. Networks have relatively high interdependencies between actors because resources necessary to solve problems are owned by different actors. These interdependencies cause a high degree of strategic complexity and an unpredictable course of (inter)actions as actions of one actor affect the interests and strategies of other actors. Networks have complex interactions because each of the actors is autonomous and has its own perception of problems, solutions, and strategies. This leads to substantial differences in perceptions, value conflicts, and disagreement about policies to be implemented and services to be delivered. Network interactions show some durability over time (Klijn & Koppenjan, 2015).

۲. پژوهشگر و استاد دانشگاه بریتانیایی در زمینهٔ دولت و اقتصاد سیاسی حکومت و استاد بازنشسته و ممتاز دانشگاه لنکستر (Bob Jessop)

3. Metagovernance was introduced to describe a counter-tendency to the shift from government to governance, namely, the shift from government to metagovernance, i.e. the 'organization of the conditions of self-organization' (Jessop, 1997).

۴. استاد ایرانی دانشکدهٔ مدیریت دولتی در دانشگاه آتلانتیک فلوریدا (Ali Farazmand)

قدرتمند مورد تهدید قرار می‌گیرند. شما نمونه‌های برخورد کشورهای ابرقدرت با کوبا، ایران و غیره را می‌بینید. استقلال کشور به عنوان مهم‌ترین شاخص حکمرانی سالم است.^۱

تعریف حکمرانی محلی محمد اسدالزمان^۲: حکمرانی به عنوان مسئولیت هر حکومتی شامل ایجاد، انجام و اجرای فعالیت‌هایی با پشتوانه اهداف مشترک شهروندان و سازمان‌هایی است که ممکن است دارای اختیارات رسمی و قدرت پلیسی باشند یا نباشند.^۳

تعریف حکمرانی اسلامی مزلی مالک^۴: حکمرانی اسلامی همان‌طور که در اصول بیان می‌شود، یک فلسفه اخلاقی کل‌نگر را هدف قرار می‌دهد که در نهایت با تأکید بر وحدت، صلح و انسجام به «بهبودی بشر» منجر می‌شود.^۵

تعریف حکمرانی شبکه‌ای یاکوب تورفینگ^۶: فرآیندهای تعاملی که از طریق آن جامعه و اقتصاد به سمت اهداف مورد مذاکره جمعی راهبری می‌شوند.^۷

تعریف حکمرانی همیارانه کریس آنسل^۸: حکمرانی عبارت است از نظام‌های قوانین، مقررات، تصمیمات قضایی و شیوه‌های اداری که تأمین کالا و خدمات عمومی را ملزم، معین و ممکن می‌کنند. به عنوان یک تعریف مبنا می‌توان در نظر گرفت که حکمرانی به قوانین و اشکال مربوط به ایجاد تصمیم‌گیری جمعی اشاره دارد. اینکه تمرکز بر تصمیم‌گیری به صورت جمعی است، دلالت بر این دارد که حکمرانی مربوط به تصمیم‌گیری یک فرد نیست؛ بلکه در مورد گروه‌هایی از افراد یا سازمان‌ها یا سیستم‌هایی از سازمان‌هاست که

1. Farazmand, Ali (2004) *Sound Governance Policy and Administrative Innovations* edited. greenwood publishing group

۲. استاد مدیریت دولتی در دانشگاه اسلامی کوشتیا در بنگلادش و رئیس گروه سیاسی و مدیریت دولتی دانشگاه اسلامی (Mohammed Asaduzzaman)

3. Asaduzzaman and Virtanen (2016, p. 2) refer to governance as the responsibility of every government which includes the 'creation, execution, and implementation of activities backed by the shared goals of citizens and organizations, who may or may not have formal authority or policing power'. (Asaduzzaman & Virtanen, 2016. pp. 5947-5958)

۴. سیاستمدار مالزیایی و رئیس مؤسسه بین‌المللی مطالعات پیشرفته اسلامی (IAIS) و استاد دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی در دانشگاه سبیرجایا (Maszlee Malik)

5. Islamic governance as articulated by the axioms aims for a holistic moral laden philosophy that will eventually lead to 'human well-being' with the emphasis on unity, peace and cohesion (Malik, 2017).

۶. استاد دانمارکی سیاست و نهادها و مدیر تحقیقات دانشکده حکمرانی (Roskilde) (Jacob Torfing)

7. The interactive processes through which society and the economy are steered towards collectively negotiated objectives (Ansell & Torfing, 2016).

۸. استاد آمریکایی مدعو در دانشگاه اویسالا، Ecole des hautes études en sciences sociales و دانشگاه هنگ‌کنگ (Chris Ansell)

تصمیم می‌گیرند. حکمرانی به توسعه سبک‌های اداره کردن اشاره دارد که در آن مرزها بین بخش‌های عمومی و خصوصی محو می‌شود. حکمرانی همچنین در مورد تصمیم‌گیری جمعی است و به طور خاص در مورد تصمیم‌گیری جمعی هم کنشگران دولتی و هم خصوصی را شامل می‌شود.^۱

تعریف حکمرانی سیاست‌گذاری لارنس ای. لین جونیور^۲: حکمرانی، جهت‌دهی، راهنمایی، قاعده‌گذاری یا راهبری کردن است. نهادهای حکمرانی «حکومت» نامیده می‌شوند. وقتی فردی «حکمرانی» می‌کند یا تحت حکمرانی فردی قرار می‌گیرد، فرد یا خود حکمرانی می‌کند یا تابع اقدام یا فرآیند «حکمرانی» فرد دیگر است.^۳

تعریف حکمرانی غیرمتمرکز رودریک آرتور ویلیام رودز^۴: حکمرانی به فرآیند جدید اداره کردن، یا یک وضعیت تغییر یافته از قانون نظام‌مند؛ یا روش جدیدی که از طریق آن جامعه اداره می‌شود، اشاره دارد. البته هیچ چیز در علوم اجتماعی هرگز ساده نیست.^۵ تعریف حکمرانی پایداری و فراحکمرانی لوئیس میولمن^۶: حکمرانی بیش از یک نظریه در مورد روابط بین بازیگران دولتی و غیردولتی است. حکمرانی در مورد کیفیت نهادها، فرآیندها، ابزارها، مهارت‌ها و غیره است که می‌تواند سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌گذاری مؤثر را ممکن کند.^۷

1. Regimes of laws, rules, judicial decisions, and administrative practices that constrain, prescribe, and enable the provision of publicly supported goods and services. As a baseline definition it can be taken that governance refers to the rules and forms that guide collective decision-making. That the focus is on decision-making in the collective implies that governance is not about one individual making a decision but rather about groups of individuals or organisations or systems of organisations making decisions (Ansell & Gash, 2008, pp: 543-571).

۲. استاد آمریکایی فقید پژوهشی سید ریچاردسون در دانشکده روابط عمومی لیندون بی. جانسون، دانشگاه

تگزاس در آستین و استاد مدیریت عمومی در دانشکده بازرگانی دانشگاه منچستر (Laurence Lynn Jr)

3. To “govern” is to direct, guide, rule, or steer. Institutions for governing may be termed “government”. When one is “governing”, or being governed, one is engaged in, or being subjected to, the act or process of “governance”. (Lynn et al. 2010, pp: 1-3).

۴. استاد بریتانیایی علوم سیاسی و استاد دانشگاه ساوتهمپتون و مدیر مرکز قوم‌نگاری سیاسی و استاد بازنشسته

سیاست در دانشگاه نیوکاسل (Roderick Arthur William Rhodes)

5. governance refers to: a new process of governing; or a changed condition of ordered rule; or the new method by which society is governed. Of course, nothing in the social sciences is ever that simple. (Rhodes, 2007, pp: 1243-1264).

۶. دکترای مدیریت دولتی و کارشناسی ارشد زیست‌شناسی محیطی (Louis Meuleman)

7. Governance is more than a theory about the relations between government and non-governmental actors. Governance is about the quality of the institutions, processes, tools, skills, etc. which should enable effective policy making and policy implementation (Meuleman, 2021).

تعریف سازمان ملل متحد: حکمرانی به اعمال اختیارات سیاسی و اداری در تمام سطوح برای اداره امور یک کشور اشاره دارد. این شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروه‌ها منافع خود را بیان می‌کنند، حقوق قانونی خود را اعمال می‌کنند، به تعهدات خود عمل می‌کنند و اختلافات خود را میانجی می‌کنند (UNDP, 2012).^۱

حکمرانی خوب به قطعنامه شماره (۲۰۰۰/۶) کمیسیون حقوقی سازمان ملل و همچنین طرح کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه باز می‌گردد. ایده حکمرانی خوب و مؤثر، در مجموع حدود هشت ویژگی را برای یک حکومت خوب مطرح کرد. این هشت ویژگی عبارت بودند از: ۱. مشارکت؛ ۲. اجماع‌محوری؛ ۳. مسئولیت‌پذیری؛ ۴. شفافیت؛ ۵. پاسخگویی؛ ۶. مؤثریت و اثربخشی؛ ۷. عادلانه بودن؛ ۸. دارای شمول (Matt, 2008).^۲

تعریف بانک جهانی: روشی که در آن قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه کشور اعمال می‌شود (The World Bank, 1994).^۳

۳- حکمرانی مدرن در هوش مصنوعی

تعاریف پیش‌گفته از مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره چستی حکمرانی از سوی شخصیت‌ها و نهادهای جهانی به شمار می‌آید.^۴ دویست تعریف توسط محققان مدرسه حکمرانی شهید بهشتی تهیه و تدوین شده که از بیان آنها در این مقاله به جهت اختصار صرف‌نظر می‌کنیم.^۵ در این مقاله کلیدواژه‌هایی بر اساس روش پژوهش کیفی از این دویست تعریف، استخراج و سپس به چت‌بات‌های هوش مصنوعی جهت درخواست تعریف حکمرانی ارائه شد. مفاهیم کلیدی برگرفته از دویست تعریف حکمرانی عبارت‌اند از:

1. Governance refers to the exercise of political and administrative authority at all levels to manage a country's affairs. It comprises the mechanisms, processes and institutions, through which citizens and groups articulate their interests, exercise their legal rights, meet their obligations and mediate their differences (UNDP, 2012)

2. Andrews, Matt (2008): The Good Governance Agenda: Beyond Indicators without Theory. In Oxford Development Studies 36 (4), pp. 379-407

3. The manner in which. power is exercised in the management of a country's economic and social resources for development (The World Bank, 1994).

۴. از دکتر غلامرضا سلیمی جهت مساعدت به نگارنده در این تعاریف سپاسگزارم.

۵. از دکتر محمدباقر عالی جهت در اختیار گذاشتن این تعاریف سپاسگزارم. همه دویست تعریف در درس خارج فقه حکمرانی نگارنده در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳، بحث و نقادی شده است.

روش اعمال قدرت، فرآیند تصمیم‌گیری مشارکتی، راهبری فرآیندهای حکم، مکانیسم‌های فعالیت‌های اجتماعی، فرآیند خط‌مشی‌ها، هدایت و کنترل، مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان در فرآیندها، فرآیند تنظیم‌گری، دستیابی به اهداف عدالت، خدمات عمومی پایدار و امنیتی، تضمین مسئولیت‌پذیری، شفافیت، باز توزیع، تسهیل‌گری، قوانین عملیات و هنجارها و رویه‌ها، ایجاد ساختار سازمانی، مکانیسم منابع، فرآیند نظارت و کنترل، نظارت بر اثربخشی، فرآیند راهبری، مدیریت فرآیندها، ارزیابی فرآیندها، روش پیاده‌سازی خط‌مشی‌ها، نهادها و ساختارهای اقتدار، تخصیص منابع، کنترل فعالیت در جامعه، توزیع مسئولیت‌ها، مکانیسم و فنون تصمیم‌گیری جمعی برای منافع عمومی، تعامل شهروندان در بخش عمومی، کنترل فشار، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، فرآیندهای دولت یا بازار یا شبکه، مشارکت کنشگران دولتی و خصوصی در خط‌مشی‌های عمومی، تضمین پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون، ثبات و برابری و فراگیر بودن، توانمندسازی و مشارکت گسترده، فرآیندهای شفاف و مشارکتی، خط‌مشی‌گذاری و نظارت بر اجرای آن، تمرکززدایی و اشتراک‌گذاری قدرت، سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، فرآیندها و مکانیسم‌های تعیین و تحقق اهداف جمعی، مدیریت دولتی نوین، فرآیندهای تصمیم‌گیری و فرمانروایی، حکومت در سلسله‌مراتب و بوروکراسی و حکمرانی در مورد بازار و شبکه‌های غیرمتمرکز، نظم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اموری از این دست، یک ساختار، یک فرآیند، یک مکانیسم و یک استراتژی، راهبری از طریق جمع‌آوری مالیات، توزیع و باز توزیع و ارائه خدمات، اشکال تعاملی حکمرانی مانند مشارکتی‌ها، شبه‌بازارها، شبکه‌ها، راهنمایی و هدایت و راهبری یا تنظیم‌گری افراد و سازمان‌ها و ملت‌ها و انجمن‌های عمومی و خصوصی در رفتار و کنش‌ها، مشارکت شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی در خط‌مشی‌ها، فرمانروایی ضابطه‌مند، سیستم اجتماعی سایبرنتیک، فرآیند انتخاب افراد صاحب‌منصب و دارای اقتدار حاکمیتی.

۳-۱- پاسخ هوش مصنوعی نسخه چهار (GPT)

حکمرانی را می‌توان به عنوان فرآیند جامع و چندبعدی تعریف کرد که شامل تدوین، اجرا و نظارت بر خط‌مشی‌ها و تصمیمات در سطوح مختلف (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) با هدف دستیابی به اهداف عمومی مانند عدالت، امنیت و پایداری است. این فرآیند از طریق مشارکت، همکاری و تعامل بین شهروندان، دولت‌ها، بازارها و سازمان‌های

جامعه مدنی انجام می‌شود و بر اساس اصولی چون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، حاکمیت قانون و تمرکززدایی استوار است. حکمرانی همچنین شامل مکانیسم‌های نظارت و ارزیابی برای تضمین اثربخشی و پاسخگویی است و از طریق ساختارها، فرآیندها و استراتژی‌های متنوع برای مدیریت منابع، تخصیص مسئولیت‌ها و تسهیل تصمیم‌گیری‌های جمعی به منظور رفع نیازها و حل چالش‌های جامعه به اجرا درمی‌آید.

۲-۳- پاسخ هوش مصنوعی (Gemini)

این تعریف بر اساس جامعیت، وضوح، ایجاز، مناسبت و مبتنی بر عناصر کلیدی هدایت و راهبری، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، عدالت و انصاف و اثربخشی عبارت است از: حکمرانی، یک فرآیند پیچیده و چندوجهی است که شامل مجموعه‌ای از ساختارها، نهادها، فرآیندها و مکانیزم‌ها برای هدایت و راهبری جامعه به سوی اهداف مشترک در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است. این فرآیند مبتنی بر مشارکت طیف وسیعی از کنشگران از جمله دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و شهروندان است و پاسخگویی، شفافیت، عدالت، انصاف و اثربخشی را در نظر می‌گیرد.

۳-۳- پاسخ هوش مصنوعی (ai.Cloud)

حکمرانی شیوه‌ای است که در آن، کنشگران و ذی‌نفعان مختلف در یک جامعه، با هم تعامل و تصمیم‌گیری می‌کنند تا اهداف مشترک خود را به دست آورند. حکمرانی شامل اعمال اقتدار عمومی از طریق سازمان‌ها و نهادهای مختلف است که بر اساس قوانین، خط‌مشی‌ها، معیارها و فرایندهای شفاف و پاسخگو اداره می‌شوند. حکمرانی نیازمند ایجاد ساختار سازمانی، زیرساخت‌های فنی و فرایندهای یک سازمان برای راهبری، نظارت، کنترل و ممیزی عملیات است. حکمرانی همچنین شامل مشارکت شهروندان و جامعه مدنی در فرایندهای تعیین سرنوشت و ارائه خدمات عمومی است. حکمرانی می‌تواند بسته به محیط، فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای هر جامعه، شکل‌ها و مدل‌های متفاوتی داشته باشد و شامل کنش، شیوه یا نظام حکومت‌داری باشد که نحوه تعامل شهروندان با محیط را تنظیم می‌کند. حکمرانی می‌تواند شامل راهبری و شیوه ارائه خدمات عمومی باشد که نحوه تولید و تحویل کالاها و خدمات مورد حمایت عمومی را مشخص می‌کند. حکمرانی می‌تواند شامل فرایندها، خط‌مشی‌ها، هنجارها و ساختارهای مدیریت باشد که نحوه هدایت، اداره یا کنترل بنگاه اقتصادی را مشخص می‌کند. حکمرانی می‌تواند

شامل فرایندها، روابط و سازوکارهای حاکم باشد که نحوه تصمیم‌گیری فراگیر به روش شفاف را مشخص می‌کند.

۴- حکمرانی مدرن در تفسیر نگارنده

به نظر نگارنده، مهم‌ترین نقد تعاریف مدرن این است که جزءنگرانه به حکمرانی نگریسته و هر مکتبی با رویکردی به تعریف حکمرانی پرداخته است؛ در حالی که هر یک از مفاهیم کلیدی در تعریف حکمرانی باید لحاظ شود. بر این اساس با استفاده از مفاهیم کلیدی مستخرج از تعاریف دویست‌گانه و نیز تعاریف چت بات‌های هوش مصنوعی می‌توان بهترین تعریف از حکمرانی در چارچوب نظری مدرن را به دست آورد.

برای تعریف و استکشاف حکمرانی مدرن از روش تحلیل مضمون که بر شناسایی (Thematic analysis)، تحلیل و گزارش الگوهای معانی داده‌های کیفی تمرکز دارد، استفاده شد. این روش، فرایندی برای مفهوم‌سازی و تحلیل داده‌های متنی است تا داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های منسجم تبدیل کند. این فرایند اموری مانند دیدن متن، برداشت مناسب از اطلاعات به‌ظاهر غیرمرتبط، تبدیل داده‌های کیفی به کمی، تحلیل اطلاعات کیفی و مشاهده نظام‌مند آن پدیده یا اندیشه را شامل می‌شود. در نتیجه یک حکایت مختصر، کامل و منسجم، منطقی، غیرتکراری در قالب مضامین برگرفته از داده‌ها، از متن پدید می‌آید.

چپستی حکمرانی مدرن از نظر نگارنده با روش تحلیل مضمون و برگرفته از مفاهیم مستخرج از دویست تعریف نظریه‌پردازان و محققان و تعاریف هوش مصنوعی عبارت از: فرایند و مکانیسم‌های جامع و چندوجهی و هوشمند در تصمیم‌گیری مشارکتی در ساحت سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، تنظیم‌گری (۱- قانون‌گذاری و دستورالعمل‌ها و رویه‌ها؛ ۲- ساختارسازی و زیرساخت‌های فنی؛ ۳- سازمان‌دهی و تقسیم مسئولیت‌ها؛ ۴- گفتمان‌سازی)، راهبری و هدایت‌گری جامعه، تصدی‌گری به همراه نظارت (۱- رصد و پایش مسئله؛ ۲- ارزیابی و کنترل؛ ۳- ضمانت اجرای صحیح قوانین و دستورالعمل‌ها؛ ۴- اثربخشی) در سطوح مختلف محلی و ملی و منطقه‌ای و جهانی برای دستیابی به اهداف عمومی مانند رشد و توسعه، اجماع‌سازی، عدالت و برابری و فراگیر بودن، امنیت، رفاه، پایداری، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی، برآوردن انتظارات شهروندان از طریق مشارکت و تعامل نهادهای دولتی و خصوصی و جامعه مدنی و شهروندان و ذی‌نفعان

با رویکرد باز توزیع انتقال اولیه ثروت و قدرت بین آحاد جامعه و مسئولیت‌ها و منافع و جمع‌آوری مالیات به صورت شفاف، تسهیلگری ناظر به توانمندسازی و ظرفیت‌سازی و ایجاد فرصت به شهروندان و تمرکززدایی دولتی و اشتراک‌گذاری در قدرت، کنترل فشار و کنترل فعالیت‌های اجتماعی و حفظ تعادل و مهار سوءاستفاده از بازار و اصلاح شکست‌های بازار، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انصاف، حاکمیت قانون، پاسخگویی در کل سیستم حکمرانی، اثربخشی و با توجه به ایدئولوژی و فرهنگ و ارزش‌های و آداب و سنت‌ها و هنجارهای جامعه است.

۴-۱- مؤلفه‌های کلیدی تعریف حکمرانی مدرن

در چارچوب اندیشه مدرن تعریف حکمرانی متشکل از ۱۲ مؤلفه به شرح ذیل است:

۱- هویت حکمرانی: فرایند و مکانیسم‌های تعاملی و هوشمند در تصمیم‌گیری و نظارت؛

۲- کارکرد حکمرانی: الف- فرایند سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری عمومی (ساحت

استراتژی)؛ ب- فرایند تنظیم‌گری (ساحت تاکتیک)؛ ج- فرایند راهبری و هدایت‌گری

جامعه (ساحت تکنیک‌ها)؛ د- فرایند تصدی‌گری و خدمات و خیر عمومی (ساحت

عملیات)؛ ه- فرایند نظارت؛

۳- اهداف حکمرانی: رشد و توسعه، اجماع‌سازی، عدالت و برابری و فراگیر بودن، امنیت،

رفاه، پایداری، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی، برآوردن انتظارات قانونی شهروندان؛

۴- کنشگران حکمرانی: مثلث کنشگران حکمرانی: الف- کنشگران دولتی و حکومت (در

تنظیم‌گری داخلی) یا حکومت‌ها (در تنظیم‌گری بین‌المللی)؛ ب- بنگاه‌های انتفاعی و

سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و غیردولتی؛ ج- جامعه مدنی (بنگاه‌های غیرانتفاعی

شهروندان، ذی‌نفعان، تعاونی‌ها، سازمان‌های غیردولتی، روحانیت محلی، انجمن‌های

علمی و مشورتی، احزاب، سندیکاها)، به صورت تلاش مشترک؛

۵- رویکرد حکمرانی: باز توزیع قدرت و مسئولیت‌ها و منافع؛

۶- اصول حکمرانی: تسهیلگری و تمرکززدایی و اشتراک‌گذاری در قدرت و کنترل فشار

و فعالیت‌های اجتماعی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انصاف، حاکمیت قانون، پاسخگویی

در کل سیستم حکمرانی، مبارزه با فساد، اثربخشی؛

۷- سطوح و قلمرو حکمرانی: محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۸- الگوی حکمرانی: حکمرانی سنتی، حکمرانی نوین و مبتنی بر مدیریت دولتی نوین، حکمرانی خوب؛

۹- حوزه‌های حکمرانی: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، امنیتی، سلامت و بهداشت، زیست‌محیطی، حقوقی و قضایی؛

۱۰- ایدئولوژی حکمرانی: لیبرالیسم، دموکراسی تعاملی، محافظه‌کاری، سوسیالیستی، مارکسیستی، فمینیستی؛

۱۱- سبک حکمرانی: الف- حکمرانی هرمی سلسله‌مراتبی دولتی بوروکراسی؛ ب- حکمرانی بازاری بنگاهی و کارآفرینی سلطه؛ ج- حکمرانی مردمی و جامعه مدنی؛ د- حکمرانی مشارکتی و شبکه‌ای بین دولت و بازار و مردم؛

۱۲- ارزش حکمرانی: توجه به ارزش‌ها و هنجارها، آداب، سنت‌ها، فرهنگ بومی و ملی.

۵- حکمرانی ولایی در سوره مائده

منابع اسلامی به ویژه قرآن و نهج‌البلاغه بهترین منبع عقلانی و وحیانی برای کشف چیستی و فرایند حکمرانی است. نگارنده در تدریس حکمرانی قرآنی و علوی توفیق یافت تا مبانی و اصول حکمرانی را از نامه‌ها و بخشی از خطبه‌های نهج‌البلاغه علوی استنباط و استخراج کند.^۱ سوره مائده (که آن را به حق باید سوره ولایت و حکمرانی ولایی نامید) ظرفیت بالایی در کشف نظریه حکمرانی ولایی دارد.

این سوره مدنی، همچون سوره‌های ممتحنه و حجرات با خطاب «یا ایها الذین امنوا» آغاز شده و شانزده بار با این خطاب به بیان اصول حکمرانی مومنانه پرداخته است. این سوره، چهارمین سوره از سبع طوال و بنا بر نقل تفسیر التحریر و التنویر، نود و یکمین سوره قرآن و پس از سوره احزاب و پیش از سوره ممتحنه و هنگام بازگشت رسول‌الله از حدیبیه نازل شده^۲ و آیت‌الله معرفت این سوره را صد و سیزدهمین سوره قرآن دانسته^۳ و علامه طباطبایی این سوره را نازل شده در حجة‌الوداع بین مکه و مدینه معرفی کرده^۴ و نویسندگان البرهان فی علوم القرآن، روز عرفه در عرفات را زمان و مکان نزول سوره مائده

۱. رک. نامه‌های نهج‌البلاغه به ویژه نامه ۵۳ و درس‌های حکمرانی علوی در کانال ایتا (@Khosropanah_ir).

۲. ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۵، ص ۷.

۳. رک. معرفت محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن

۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۸۴.

شمرده^۱ و نویسنده تفسیر المنار، روز غدیر خم را زمان نزول سوره معرفی کرده است.^۲ این سوره به روایت امام صادق (علیه السلام) یک جا به همراه هفتاد هزار فرشته نازل شده است. هدف سوره به تعبیر علامه طباطبایی، فراخواندن به وفای به عهد و حفظ پیمان‌های حق و نهی از پیمان شکنی و رحمت و آسان‌گیری بر متقیان و مجازات ستمگران و طغیانگران و پیمان شکنان و بیان حدود الهی بوده است.^۳ علامه جوادی آملی می‌فرماید: «خطوط کلی معارف سوره؛ توحید اسمای حسناى الهی، حکومت اسلامی و ولایت و تولی الهی و نفی تولی دشمنان دین است».^۴ به نظر نگارنده، عناصر حکمرانی ولایی با روش تحلیل مضمون در صدویست آیه سوره مائده به شرح ذیل است.

۵-۱- چیستی حکمرانی ولایی

حکمرانی ولایی، فرایند تصمیم‌سازی و فرمانروایی مومنانه و ولایت‌مدارانه در ساحت فرد و خانواده و جامعه ملی و بین‌المللی را در برمی‌گیرد. این فرایند مبتنی بر خداشناسی توحیدی، ولایت مطلقه الهی (تولی)، نفی ولایت طاغوت (تبری)، راهنما شناسی نبوی و ولوی، جامعیت اسلام، انسان‌شناسی، آخرت‌گرایی و حکمروایی انحصاری الهی به عنوان مبانی حکمرانی، با بهره‌گیری از حکمت عقلانی و کتاب و حیانی (سنت‌های تکوینی، قواعد، قوانین و حدود الهی و حقایق تاریخی) به عنوان منابع حکمرانی، با رویکرد ولایت‌محوری (ولایت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام) و مردم‌مداری (مشارکت مومنان) به عنوان الگوی حکمرانی، با اصولی همچون قیام برای خدا، تقوا و هدایت‌گری الهی، ارزش‌مداری اخلاقی، وفاداری به عهد، توکل به خدا، تبیین‌گری نسبت به معارف و ارزش‌های الهی، تبشیر و انذارگری جامعه، حفظ شعائر الهی، تمسک به وسیله الهی و دوری از امور شیطانی، دنیاسازی آخرت‌گرایانه، داشتن خشیت انحصاری به خداوند، دوری‌سازی از هوای نفس، اهتمام به حیات انسانی، تعاون به نیکی، عفو و آسان‌گیری عمومی و نفی حرج به عنوان اصول حکمرانی و خودسازی کنشگران (حکمرانان و مردم)، محقق نمودن جامعه اخلاقی، متقی، مهتدی و حزب‌اللهی دارای عدالت اجتماعی و امنیت مالی و جانی مردم در مسیر تقرب الهی به عنوان اهداف حکمرانی است.

۱. زرکشی، محمدبن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۹۵.

۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۵۶.

۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، ج ۲۱. تفسیر سوره مائده در جلد‌های ۲۱، ۲۲، ۲۳ و

۲۴ تسنیم آمده است.

۵-۲-۲- ارکان حکمرانی ولایی

در ادامه ارکان حکمرانی ولایی در پنج رکن شامل: «مبانی حکمرانی ولایی»، «منابع حکمرانی ولایی»، «الگوی حکمرانی ولایی با دو عنصر ولایت محوری و مردم مداری»، «اصول حکمرانی ولایی» و «اهداف حکمرانی ولایی» به شرح ذیل آمده است.

۵-۲-۱- مبانی حکمرانی ولایی

مبنای اول - خداشناسی توحیدی: علم الهی به همه امور پنهان و آشکار و غیب و نهان و قدرت مطلقه خداوند و فرمانروایی و مالکیت او در همه جهان و هدایت مومنان و خالقیت مختارانه و حکمرانی ارادی و مشیت حکیمانه و سمیع و بصیر و رقیب و غفور و رحیم و عزیز و ذوانتقام و حکیم و حلیم و شهید و شدیدالعقاب بودن حق تعالی و تبیین گر آیات الهی و محبت الهی نسبت به محسنین و نفی شرک و الوهیت و مالکیت از غیر حق و عدم هدایت کافران و فاسقان و عدم محبت الهی نسبت به تجاوزگران.ⁱ

مبنای دوم - اسلام‌شناسی: جامعیت اسلامⁱⁱ

مبنای سوم - پیامبر شناسی: شناساندن حقایق الهی و هدایت‌گری سبیل السلام و صراط مستقیم و خروج از ظلمات به نور و تبیین‌گری و بشارت و انذاردهنگی و مظهر عفو الهی با کمک کتاب و نور الهی.ⁱⁱⁱ

مبنای چهارم - انسان‌شناسی: رام کردن نفس و حرمت نهادن به انسان.^{iv}

مبنای پنجم - امامت‌شناسی و ولایت‌گرایی.^v

مبنای ششم - معاد شناسی: بازگشت همه به سوی خداوند و بهشت مؤمنان و متقیان و عاملان به عمل صالح و عذاب کافران و منافقان و توبه‌پذیری نسبت به توبه‌کاران واقعی و مغفرت و عفو الهی و تأکید بر صدق صادقان.^{vi}

مبنای هفتم - حکم‌شناسی: حکم انحصاری الهی.^{vii}

۵-۲-۲- منابع حکمرانی ولایی

منابع حکمرانی ولایی شامل حکمت عقلانی و کتاب و حیانی می‌شود که کتاب و حیانی خود مشتمل بر موارد ذیل است.

الف - حکمت عقلانی.^{viii}

ب- کتاب و حیانی: عبارت‌اند از: قواعد الهی^{ix} و قوانین و حدود الهی^x و سنت‌های الهی^{xi} و حقایق تاریخی: بیان نعمت‌ها و نعمت‌های الهی و افشاگری از یهود و نصاری جهت نفی حکمرانی آنها.^{xii}

۵-۲-۳- الگوی حکمرانی ولایی با دو عنصر ولایت‌محوری و مردم‌مداری^{xiii}

۵-۲-۴- اصول حکمرانی ولایی

دنیاسازی آخرت‌گرایانه، عدم خشیت از مردم و خشیت انحصاری الهی در آیه سوم «فلا تخشوهم واخشون» و آیه چهل و چهارم «فلا تخشوا الناس واخشون»، دوری از هوای نفس و اهمیت حیات انسانی «من قتل نفسا بغير نفس أو فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعا ومن أحیها فکأنما أحیا الناس جميعا»، دست آویختن به وسیله الهی و دوری از دست‌آویزهای شیطان «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء» و تبیین‌گری و تبشیر و انذار جامعه و اصول دیگر.

۵-۲-۵- اهداف حکمرانی ولایی

عدالت‌محوری و قیام‌لله و تقوای الهی جامعه «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو أقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون»، هدایت جامعه به راه‌های سلامت «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذنه و یهدیهم الی صراط مستقیم» و تحقق ارزش‌های اخلاقی (خویش‌تن‌مراقبی، پیمان‌مداری، حفظ شعائر، عفو و صفح، استباق خیرات، شکرگزاری، توکل الهی، احسان و صداقت) و حفظ امنیت مالی و جانی مردم «والسارق والسارقه فاقطعوا یدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله».

۶- حکمرانی مردمی نزد مقام معظم رهبری

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به بیانات مستقیم و غیرمستقیم درباره حکمرانی مردمی در قالب مردم‌سالاری دینی به تفصیل سخن گفته است که مجال بیان همه عبارت‌های ایشان در این مقال نیست. حکمرانی مردمی نزد مقام معظم رهبری همان حکمرانی ولایی است. شاید در مطالعه نخستین گمان رود که حکمرانی نزد رهبر انقلاب، همان حکومت‌داری است؛ لکن با بیان دو مفهوم کلیدی مستخرج از مجموعه سخنان معظم

له و منظومه فکری وی با روش تحلیل مضمون می‌توان حکمرانی اعم از حکومت‌داری را استفاده کرد.^۱

مقوله‌های مرتبط با حکمرانی مردمی: حکمرانی حق و باطل، منبع و منشأ حکمرانی، حکمرانی در منطق اسلام، حکمرانی دیکتاتورانه و ظالمانه، حکمرانی مردمی، جنس حکمرانی انقلاب اسلامی و ضرورت تحول در همه بخش‌های حکمرانی.

مؤلفه‌های حکمرانی مردمی: ولایت مداری، سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی مسئولان، تعالی معنوی در کنار رفاه مردمی، قانون‌گرایی و حاکمیت اسلام، عدالت و انصاف، مشارکت مردم، کارایی و اثربخشی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری و شفافیت.^{xiv}

۷- نظریه برگزیده: حکمرانی حکمی

دیدگاه برگزیده با عنوان حکمرانی حکمی با بهره‌گیری از تعاریف متخصصان حکمرانی مدرن و حکمرانی اسلامی به ویژه سخنان مقام معظم رهبری و با استفاده از حکمرانی ولایی در سوره مائده و سوره‌های دیگر قرآن و نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علیه‌السلام و با توجه به مبانی حکمی از جمله مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی توحیدی^۲ به دست آمده است.

پس می‌توان ملاحظه کلی نگارنده بر تعاریف مدرن را در چند نکته دانست؛ نکته اول: حکمرانی مدرن فقط به عقل معاش و برنامه‌ریزی منحصر شده است؛ به عبارت دیگر، دکارت بر عقل نظری و کانت بر عقل عملی و از ماکس وبر تا هابرماس بر عقل معاش تأکید داشتند و لذا می‌توان منبع اصلی حکمرانی مدرن در چهار دهه اخیر را عقل معاش دانست و لکن حکمرانی حکمی به عقل نظری و عقل عملی و عقل معاش و عقل معاد توجه دارد؛ به عبارت دیگر عقلی که درک هست و نیست‌ها و باید و نبایدها می‌کند و عقل برنامه‌ریز آخرت ساز، منبع حکمرانی حکمی قرار دارد. نکته دوم: حکمرانی حکمی از فرایند حکمرانی یعنی سیاست‌گذاری تا نظارت در تجربه نگاری حکمرانی مدرن بهره می‌برد. نکته سوم: ولایت محوری و مردم‌سالاری برگرفته از قرآن و سنت نبوی و علوی

۱. این مطالب در تاریخ (۱۳۷۴/۷/۲۲)، (۱۳۷۴/۷/۲۵)، (۱۳۷۴/۷/۲۵)، (۱۳۷۴/۹/۲۹)، (۱۳۷۷/۲/۱۸)، (۱۳۸۹/۹/۴)، (۱۳۷۹/۱۲/۲۰)، (۱۳۹۴/۲/۲۶)، (۱۴۰۰/۱/۱)، (۱۴۰۰/۱۲/۱۰)، (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)، (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۲. مبانی و اصول حکمرانی حکمی در کتاب حکمت و فقه حکمرانی بیان شده است.

و ولوی را رکن رکین حکمرانی حکمی قرار می‌دهد. ولایت محوری در حکمرانی سکولار مدرن، مغفول واقع گردید.

بر این اساس حکمت نام‌گذاری این نظریه حکمرانی به «حکمرانی حکمی» این است که حکمت در قرآن شامل بینش و منش و کنش مبتنی بر عقل نظری و عملی و عقل معاش و معاد و وحی الهی می‌شود و از آنجا که نگارنده با استفاده از عقل جامع چهار ساحتی پیش‌گفته (به تعبیر قرآن «لب و الباب») و وحی الهی به تعریف ذیل دست‌یافته است، از این رو، نام این نظریه «حکمرانی حکمی» نهاده شد. حکمت در مقابل مدرن و سنت مسیحی قرار دارد. سنت مسیحی بر عقل معاد باور داشت و تا حدودی از عقل نظری بهره می‌برد و مدرن در آغاز بر عقل نظری و سپس عقل عملی و در دهه‌های اخیر بر عقل معاش منهای عقل معاد تأکید می‌کرد.

خوانندگان با دقت در تعریف و ارکان حکمرانی حکمی، متوجه کاربست چهار عقل نظری و عملی و معاش و معاد خواهند شد.

حکمرانی حکمی را نباید در عرض حکمرانی ولایی دانست و باید توجه داشت که حکمرانی ولایی مستخرج از سوره مائده، با استفاده از سوره‌های دیگر قرآن، کامل‌تر خواهد شد و حکمرانی حکمی علاوه بر استفاده از حکمرانی ولایی سوره مائده و سایر سوره‌های قرآن و آموزه‌های علوی و ولوی، از تعاریف و تجربه نگاری حکمرانی مدرن، بدون گرفتاری التقاط اندیشه‌ای و با روش تفسیر موضوعی شهید صدر بهره برده است. تعریف «حکمرانی حکمی» دارای نه رکن ذیل است که از هویت حکمرانی تا اهداف حکمرانی را شامل می‌شود.

۱. هویت حکمرانی: فرایند جامع، چندوجهی تصمیم‌سازی مشارکتی، اثربخش و حکمت بنیان و ولایت‌مدارانه به صورت هوشمند و شبکه‌ای بین امام و امت؛
۲. مأموریت حکمرانی: در ساحت‌های ۱- سیاست‌گذاری عمومی، ۲- تنظیم‌گری (قانون‌سازی، ساختارسازی و مسئولیت‌گذاری)، ۳- گفت‌وگو و اجماع‌سازی و راهبری جامعه، ۴- تصدی‌گری و اجرایی‌سازی، ۵- نظارت و ارزیابی و اثرسنجی؛
۳. قلمرو حکمرانی: در ساحت فردی، خانوادگی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی؛
۴. مبانی حکمرانی: مبتنی بر خداپاوری و آیت‌شناسی توحیدی، انسان‌شناسی فطری، ولایت‌گرایی الهی و نفی ولایت طاغوت (تولی و تبری)، راهنماشناسی نبوی و ولوی،

خاتمیت و جامعیت قرآن، معرفت‌شناسی حکمی و قرآنی و سنت معصومان، دنیاسازی آخرت‌گرایانه و حکمرانی انحصاری الهی؛

۵. منابع حکمرانی: با بهره‌گیری از حکمت عقلانی (خرد ناب: عقل نظری، عقل عملی، عقل معاش و عقل معاد) و شریعت و حیانی (سنت‌های تکوینی و قواعد و قوانین و حدود الهی و حقایق تاریخی برگرفته از کتاب الهی و روایات نبوی و ولوی)؛ شایان ذکر است که وقتی از خرد ناب استفاده می‌شود بی‌شک نباید از بهره‌گیری عرف زمانه در کشف موضوعات محروم شویم. عرف در حکمت و فقه از جایگاه مهمی برخوردار است و به همین جهت امام خمینی از دخالت عنصر زمان و مکان در اجتهاد فقه شیعه سخن گفته است.^۱

۶. الگوی حکمرانی: با الگوی شبکه‌ای از حاکمیت و بخش خصوصی و تعاونی‌های مردم‌نهاد مبتنی بر حکمت و ولایت؛

۷. اصول حکمرانی: با تمسک به اصولی همچون قیام لله و خشیت انحصاری الهی، اخلاق و تقوا مداری، هدایتگری و تبشیر و انذار نسبت به حاکمیت و جامعه، حفظ شعائر الهی، اهتمام به حیات انسانی، حاکمیت قانون توحیدی، توجه به ایدئولوژی و فرهنگ و سنت و ارزش‌ها و احکام اسلامی، توازن مصلحت‌اندیش بین ارزش‌ها و اهداف در فرایند حکمرانی، امانت‌داری، صداقت در گفتار و عمل، احسان و ایثار و عفو، تعاون بر نیکی و سبقت گرفتن به خیر، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در همه فرایند حکمرانی، تعامل سازنده بین نهادهای حاکمیتی و خصوصی و تعاونی مردم‌نهاد، شفافیت، تسهیلگری و نفی حرج، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی منابع انسانی و طبیعی، تمرکززدایی دولتی در ساحت تصدی‌گری، مشارکت حداکثری در فرایند حکمرانی، کنترل فشارهای دولتی و تشکل‌های ذی‌نفع و رسانه‌ای، حفظ تعادل و مهار سوءاستفاده از بازار و تعاونی‌ها و اصلاح شکست بازار و تعاونی‌ها؛

۸. اهداف حکمرانی: با هدف تحقق جامعه توحیدی دارای حیات طیبه و دستیابی به تمدن اسلامی و تقرب الهی از طریق خودسازی و معنویت‌کنشگران، جامعه‌سازی اخلاقی و متقی و مهتدی و حزب‌اللهی، پیشرفت همه‌جانبه و متوازن و فراگیر و پایدار، عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها و باز توزیع منابع ثروت و قدرت بین آحاد جامعه، امنیت مالی و جانی و روانی و معنوی جامعه، ارتقاء سطح رفاه همگانی و معیشت و معنویت مردم، پایداری و

۱. جعفر سبحانی، رساله فی تأثیر الزمان و المكان علی استنباط الاحکام، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ قمری.

حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست، گسترش فرهنگ و صنعت حلال، برآوردن انتظارات قانونی شهروندان، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی.

۹. ویژگی حکمرانان: حکمرانی علوی مولانا امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه به ویژه در عهدنامه ۵۳ به مالک اشتر با دقت فراوان به ویژگی‌های حکمرانان پرداخته است که به اختصار بیان می‌گردد: ۱- حاکم باید با رسیدگی کامل به جمع‌آوری خراج، پیکار با دشمنان این سرزمین، اصلاح اهل آن و عمران و آبادی سرزمین بپردازد؛ ۲- رعایت تقوا؛ ۳- مبارزه با هوای نفس؛ ۴- آگاه یافتن از موقعیت محل مأموریت؛ ۵- ذخیره‌سازی عمل صالح و اجتناب از بخل؛ ۶- تلاش و کوشش برای جلب رضایت رعایا و توده‌های مردم؛ ۷- نهی از سرکشی در برابر فرمان‌های الهی؛ ۸- مبارزه با کبر و غرور ناشی از مقام؛ ۹- رعایت عدل و انصاف و پرهیز از هرگونه ظلم و ستم؛ ۱۰- رضایت عامه مردم نه لزوماً خواص که محبوب‌ترین امور در نزد خداوند است؛ ۱۱- بر حذر بودن از وسوسه‌های عیب‌جویان و سخن‌چینان و تلاش برای عیب‌پوشی مردم؛ ۱۲- لزوم مشورت در کارها و بر حذر داشتن از مشورت با افراد بخیل و ترسو و دنیاپرست؛ ۱۳- کنار گذاشتن سردمداران حکومت‌هایستمگر پیشین و به عکس ارتباط با اهل ورع و صداقت و ایمان؛ ۱۴- تشویق نیکوکاران و سرزنش و کیفر بدکاران؛ ۱۵- جلب حُسن ظن مردم از طریق احسان و نیکی و سبک کردن بار هزینه‌ها؛ ۱۶- احترام به آداب و رسوم نیک پیشین؛ ۱۷- تداوم نشست و مشورت با دانشمندان و خردمندان؛ ۱۸- تقسیم رعایا به گروه‌های مختلف و رسیدگی به هر کدام طبق نیازها و موقعیت‌ها؛ ۱۹- تأکید بر رعایت حال قشر محروم؛ ۲۰- ویژگی‌های فرماندهان نظامی و افسران لشکر؛ ۲۱- توجه خاص به سوابق اشخاص و خاندان‌های خوش‌نام و صالح؛ ۲۲- داشتن ویژگی‌های فرماندهان ارشد؛ ۲۳- تأکید بر عدالت‌سازی، مایه روشنی چشم زمامداران؛ ۲۴- ستایش کارهای خوب نیکوکاران؛ ۲۵- سنجش ارزش کار هر کس بدون توجه به موقعیت اجتماعی؛ ۲۶- مراجعه به کتاب و سنت در حل مشکلات و استنباط احکام؛ ۲۷- رعایت شرایط قضا و صفات لازم و زیر نظر داشتن احکام قضایی قضا و تأمین کامل هزینه‌های زندگی آن‌ها برای جلوگیری از ابتلا به رشوه‌خواری؛ ۲۸- بیان معیار در انتخاب فرمانداران بلاد و پرداختن حقوق کافی به آن‌ها و گماردن عیون (مأموران اطلاعاتی) بر کارهای ایشان؛ ۲۹- سامان بخشیدن به وضع خراج و مالیات و توجه به عمران

و آبادی بیش از توجه به جمع‌آوری خراج؛ ۳۰- ویژگی‌های مربوط به دبیران و مسئولان اسناد و منشیان خاص و تقسیم‌کار در میان آن‌ها؛ ۳۱- رسیدگی کامل به وضع تجار و صنعت‌گران؛ ۳۲- دوباره توجه بیشتر به فشر محروم و کم‌درآمد جامعه و لزوم رسیدگی مداوم به آن‌ها و خبر گرفتن از وضع آن‌ها؛ ۳۳- لزوم رسیدگی به وضع ایتام و کهنسالان؛ ۳۴- تعیین وقت مشخصی برای ملاقات عمومی و اجازه دادن برای تماس مستقیم مردم با زمامدارانشان؛ ۳۵- تعیین وقت خاص دیگری برای کارگزاران جهت حل مشکلات خاص آن‌ها؛ ۳۶- تنظیم برنامه دقیق برای کارهای مختلف روزانه؛ ۳۷- اهتمام به اقامه فرایض و اهمیت دادن به نماز جماعت و چگونگی برگزاری آن و تعیین وقت فراغتی برای ارتباط با پروردگار عالم؛ ۳۸- فاصله نگرفتن از مردم برای مدت طولانی؛ ۳۹- چگونگی برخورد با همکاران خاص و صاحبان اسرار کشور؛ ۴۰- رعایت دقیق حقوق همه اعم از افراد نزدیک و دور؛ ۴۱- اعلام عذر موجه در برابر کمبودها، مشکلات و سوءظن‌ها؛ ۴۲- پذیرش دعوت دشمنان به صلح در عین رعایت هوشیاری در برابر آن‌ها و احترام به قراردادها؛ ۴۳- پرهیز شدید از خونریزی غیرمجاز؛ ۴۴- پرهیز از هرگونه عجب و خودبینی و خودپسندی؛ ۴۵- بر حذر بودن از منت گذاشتن بر رعایا؛ ۴۶- اجتناب از شتاب‌زدگی و عجله در کارها؛ ۴۷- پرهیز از رانت‌خواری و گرفتن حق اختصاصی؛ ۴۸- توجه به سیره رسول خدا و انبیای الهی در تمام امور مربوط به زمامداری.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در آخر منشور حکمرانی، درخواست رحمت و توفیق سعادت و شهادت را از پروردگار برای خود و مالک اشتر درخواست می‌کند.^۱

۸- چپستی سیاست‌گذاری حکمی

همان‌گونه که گفته شد مأموریت حکمرانی عبارت است از ۱- سیاست‌گذاری عمومی، ۲- تنظیم‌گری (قانون‌سازی، ساختارسازی و مسئولیت‌گذاری)، ۳- گفتمان و اجماع‌سازی و راهبری جامعه، ۴- تصدی‌گری و اجرایی‌سازی و ۵- نظارت و ارزیابی و اثرسنجی؛ هر یک از این پنج مأموریت نیاز به تعریف و فرایند دقیق دارند و لکن مهم‌ترین آنها، سیاست‌گذاری عمومی و تنظیم است که در این مقال به‌اختصار به این دو مقوله می‌پردازیم. شایان ذکر است که علاوه بر سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری، مفاهیم زیادی در مبحث

حکمرانی وجود دارد که باید همه آنها توضیح داده شود؛ همچون راهبری جامعه، تسهیل‌گری، باز توزیع، تصدی‌گری، نظارت و ارزیابی، اثرسنجی و غیره؛ اما به جهت اهمیت و نیاز نهادهای سیاستی تنها به چيستی مفهوم سياست‌گذاري و تنظيم‌گري اشاره خواهد شد.^۱

ابتدا باید توجه داشت که همه امور روزمره زندگی از تولد تا مرگ و از نوزادی تا پیری و از دانش‌آموزی در مدرسه تا فارغ‌التحصیل دانشگاهی و از کارگری و کارمندی و بیمه آنها تا بازنشستگی و از بیماری تا سلامت و از روابط عادی تا روابط سیاسی و اقتصادی و امنیتی و فرهنگی و از جرم تا حکم قضایی و از روابط داخلی تا روابط بین‌المللی، جملگی در معرض تصمیمات سازمان‌های دولتی و بخش‌های خصوصی هستند. هر یک از این تصمیمات، زاینده سیاست‌های اجتماعی به معنای عام یعنی سیاست‌های آموزشی، سلامت و پزشکی، قضایی، زیست‌محیطی، رفاهی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی (به معنای خاص)، امنیتی، صنعتی، کشاورزی، انرژی و حمل‌ونقل است. این حوزه‌های سیاستی در فرایند سیاست‌گذاری عمومی^۲ شکل می‌گیرند.^{۳۷} تبیین نظریه و فرایند سیاست‌گذاری، به مطالب نه‌گانه ذیل نیازمند است:

۱- تعریف سیاست: بین «سیاست» (politics) به معنای دانش کسب و حفظ و افزایش قدرت و «سیاست» (policy) به معنای تصمیم کلان دولت و نهادهای عمومی مربوط به ساحت عمل برای حل مسائل و مشکلات جهت بهبود وضعیت موجود، تفاوت وجود دارد. مقصود از «public» فراگیر بودن و همگانی بودن سیاست‌هایی است که از سوی دولت و نهادهای عمومی وضع می‌شوند و جمعیت فراوانی را مشمول خود می‌سازند.

۲- سیاست پژوهی: فرایند پژوهش سیاستی در سیاست‌گذاری عمومی عبارت است از: انتخاب موضوع پژوهش، انتخاب روش پژوهش (قیاسی یا استقرائی)، جمع‌آوری داده‌ها، پردازش داده‌ها و گزارش سیاستی. مهم‌ترین آسیب در سیاست‌گذاری عمومی، فاصله بین سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران و تصدی‌گران است که باعث کم‌توجهی به بسته‌های سیاستی می‌شود.

۱. برای تبیین بیشتر مفاهیم حکمرانی ر. ک به عبدالحسین خسروپناه، حکمت و فقه حکمرانی، دانشگاه عالی دفاع ملی، مرکز انتشارات راهبردی و مفاهیم کلیدی حکمرانی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی و مارک بیور، حکمرانی درآمدی بسیار کوتاه، ترجمه غلامرضا سلیمی و داود کریمی پور، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

2. public policy-making

۳- سطوح سیاست‌گذاری: سیاست‌گذاری از سطح یکسانی برخوردار نیست. سیاست‌های کلان که شخص اول مملکت ابلاغ می‌کند، مانند سیاست‌های مقام معظم رهبری؛ سیاست‌های راهبردی و معطوف به اجرا و راهبری قرارگاهی که شوراهای عالی هر کشوری مصوب و اجرا می‌کند؛ مانند سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ سیاست‌های راهبری تقنینی که مجلس شورا به تصویب می‌رساند؛ سیاست‌های راهبری اجرایی در آیین‌نامه‌ها که توسط قوه مجریه ابلاغ می‌شود؛ سیاست‌های راهبری قضایی که توسط قوه قضایی معین می‌گردد.

۴- چيستی و ویژگی‌های سیاست‌گذاری: علوم سیاست‌گذاری توسط لرنر و لاسول در سال ۱۹۵۱ مطرح گردید و سپس با عنوان‌های مطالعات سیاست‌گذاری یا تجزیه و تحلیل سیاست با طی کردن سه نسل پیش رفت. نسل سوم سیاست‌گذاری از اندیشه فراعقلایی و انواع مختلف تفکر و پیش‌بینی همه‌جانبه و درازمدت و ظهور و سقوط ملت‌ها و توفیق و شکست شرکت‌های بزرگ و تجارب گذشته بدون محدود شدن در گذشته بهره می‌برد. خط‌مشی‌گذاری یا سیاست‌گذاری عمومی عبارت از فرایند تصمیم‌گیری آغازین و مستمر و فراگیر و کاربردی و زمینه‌سازی برای تصمیم‌های ثانوی تقنینی با ویژگی‌های ذیل: مبتنی بر مبانی و ارزش‌های جامعه، تحقق‌بخش اهداف (مانند عدالت، نظم، رفاه و...)، توجه به مسائل واقعی و متغیرهای آن در کنار آینده‌نگری، پاسخگویی نسبت به مسائل واقعی، کنترل‌پذیر و اثربخش، جهت‌دهنده ساختارها (قوانین، آیین‌نامه‌ها، رویه‌ها و تقسیم مسؤلیت‌ها و تأثیرگذاری ساختارها بر نظام اداری و یکپارچگی و عملکرد و اثربخشی)، متناسب و جهت‌دهنده به توزیع و تخصیص منابع و امکانات و موانع، مشارکت مدیران و ذی‌نفعان، بهره‌گیری از فن‌آوری‌های هوشمند، به‌کارگیری مدل شبکه‌ای ولایی مردمی.

۵- سه حوزه مطالعاتی خط‌مشی عمومی: مطالعات خط‌مشی عمومی متشکل از سه حوزه مطالعاتی اصلی است: ۱- فرایند خط‌مشی عمومی و اینکه خط‌مشی عمومی چگونه شکل می‌گیرد؛ ۲- تحلیل خط‌مشی عمومی برای برخورد با یک مسئله عمومی؛ ۳- ارزشیابی خط‌مشی عمومی و اینکه دولت چه کاری باید انجام بدهد.

۶- گام‌های تحلیل خط‌مشی: این گام‌ها عبارت‌اند از: ۱- باید مسئله خط‌مشی، مشخص و ساختاردهی شود؛ چون مسائل خط‌مشی دارای ساخت اجتماعی هستند؛ ۲- تحلیل‌گر خط‌مشی با حل مسئله چه دستاوردهایی را انتظار دارد؟؛ ۳- مسیرهای مرجح حل مسئله

خطمشی چیست؟؛ ۴- خطمشی‌های منتخب و مرجح چه دستاوردهای مشهودی بر جای خواهد گذاشت؟؛ ۵- مشخص کردن نظام اندازه‌گیری عملکرد خطمشی.^۱

۷- رویکردهای سیاست‌گذاری عمومی: سه رویکرد در این زمینه مطرح شده است: ۱- خطمشی‌گذاری عینیت‌گرا و معطوف به حل مسئله از طریق بهره‌گیری از ابزارهای کمی و مراحل مشاهده و تحلیل مسئله و تبیین راه‌حل‌ها؛ ۲- خطمشی‌گذاری آرمان‌گرا و هدف‌گرا ناظر به تحقق وضع مطلوب و ایدئال در یکی از موضوعات عمومی شهروندان؛ ۳- خطمشی‌گذاری خیال‌پرداز و توهم‌گرا بر اساس ذهنیت مبهم و غیردقیق سیاست‌گذاران؛ به نظر نگارنده باید در خطمشی‌گذاری از رویکرد مسئله محورانه هدف‌گرا بهره برد.

۸- نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی: الف- فرایند سیاست‌گذاری عبارت است از: مسئله‌شناسی و شناخت معضل اجتماعی (به معنای عام)، شناسایی و تحلیل راه‌حل‌ها و انتخاب راه‌حل برتر، تدوین و ابلاغ سیاست، اجرای سیاست، ارزیابی و اصلاح سیاست. پس سیاست‌های عمومی، دستاورد فرایند سیاست‌گذاری است. ب- نظریه‌های سیاست‌گذاری عبارت‌اند از: خطمشی‌گذاری مبتنی بر گفتگو بر اساس دموکراسی مشارکتی (شبیه‌الگوی دموکراسی یونان باستان که مردم در میدان‌ها جمع می‌شدند؛ البته با هدایت و نظارت و آموزش دولت و نشان دادن صداقت و اعتماد حاکمیت در راستای برقراری زمینه گفتگو و رسیدن به توافق جمعی و فرصت یافتن شهروندان برای تصمیم‌گیری و مشارکت فعالانه در ساحت خطمشی‌گذاری؛ این مدل در شعار، زیبا، اما در عمل بسیار پرهزینه و زمان‌بر و انرژی‌سوز است و همه مشارکت‌کنندگان از منابع دانشی و زمانی و مالی یکسانی برخوردار نیستند و برخورداران بیشتر تسلط بیشتری خواهند داشت)، خطمشی‌گذاری مبتنی بر شواهد تجربی (مقرون‌به‌صرفه نبودن خطمشی‌گذاری مبتنی بر گفتگو و نیز مکتب آمپریسم، خطمشی‌گذاری مبتنی بر شواهد تجربی یعنی گردآوری داده‌های تجربی با روش‌های کمی و کیفی و تحلیل آنها را پیشنهاد می‌دهد)، خطمشی‌گذاری مبتنی بر دموکراسی نمایندگی (شهروندان در الگوی دموکراسی نمایندگی، اعمال حکمرانی می‌کنند. گرایش نمایندگان به سمت منافع شخصی و گروهی، آفت این الگو است؛ مانند گرفتن مجوز پتروشیمی و فولاد نیازمند به آب برای حوزه نمایندگی که در راستای

۱. ر.ک به: ویلیام ان. دان، تحلیل خط مشی عمومی رویکرد یکپارچه، ترجمه: حسن دانایی فرد، انتشارات سمت، تهران، ۱۴۰۲، ص ۲۰-۲۱

منافع ملی و منطقه‌ای نیست)، نظریه گروهی (خطمشی‌گذاری عمومی نتیجه تعامل بین گروه‌های ذی‌نفع از طریق رقابت بین آنها، اما گروه‌های ذی‌نفع، منافع خود را با لابی‌گری و بسیج حمایت عمومی شکل می‌دهند)، مدل عقلایی (شناسایی مؤثرترین و کارآمدترین گزینه خطمشی‌گذاری بر اساس منطق و شواهد و داده‌های روشن و استدلال صحیح)، نظریه جزئی-تدریجی (خطمشی‌گذاری عمومی در راستای تغییرات کوچک و تدریجی به جای اصلاحات در مقیاس بزرگ تا زمینه برداشتن گام‌های بعدی و تصمیم‌گیری کارآمدتر در محیط‌های پیچیده و پویا را فراهم سازد. این مدل نیز با مشکلاتی مانند تضاد منافع شخصی و عدم توازن قدرت مواجه است)، مدل رضایت‌بخش (دستیابی به راه‌حل‌های رضایت‌بخش برای مسائل خطمشی‌گذاری عمومی که برای دستیابی به نتایج مطلوب ناکافی است)، نظریه سطل زباله (به عنوان مدل زباله‌دان خطمشی‌های عمومی، نتیجه رویدادهای تصادفی و ناهماهنگ نه یک فرایند با برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی دقیق فرایند تصمیم‌گیری چهار جریان متشکل از مشکلات و راه‌حل‌ها و خطمشی و مشارکت‌کنندگان و آفت آن، تصمیم‌های غیرمنطقی و بدون تحلیل خواهد بود)، نظریه نخبگان (این نظریه مبتنی بر توهم دانستن دموکراسی کثرت‌گرا است. تصمیم‌گیری در جامعه توسط منافع و قدرت گروه‌های کوچکی از نخبگان و رهبران شرکتی و سیاسی و نظامی؛ آفتش این است که در واقع حکمرانی در اختیار نخبگان نیست؛ بلکه در اختیار طیفی از بازیگران ذی‌نفع است)، نظریه بازی (خطمشی‌گذاری به مثابه یک بازی و تصمیم‌گیری با چند بازیگر با اهداف و ترجیحات مختلف و تأثیرگذاری یک بازیکن بر تصمیمات دیگران)، نظریه انتخاب عمومی (خطمشی‌گذاری به مثابه بازار و عرضه و تقاضا برای تخصیص بهینه منابع از طریق بازیگران دولتی و بخش خصوصی که دارای آفت لابی‌گری ذی‌نفعان است)، ائتلاف گروه‌های حامی (تعاملات بین گروه‌های مدافع چندگانه و تأثیر عقاید و اهداف مشترک بر خطمشی‌های عمومی که البته هر ائتلافی از طریق لابی‌گری و سازمان‌دهی مردمی و کمپین‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد)، نظریه سیستم‌ها (سامانه‌ای برای مجموعه پیچیده از اجزا و روابط پیچیده بین اجزا و اهداف معین و محور اصلی)، نظریه نهادگرایی (خطمشی‌گذاری مبتنی بر ساختارهای پذیرفته‌شده در دولت و بازار و جامعه مدنی یا مبتنی بر مقبولیت ذهنی جامعه)، نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی (خطمشی‌گذاری تنها

مبتنی بر واقعیت‌های عینی و تحلیل عقلانی نیست و نتیجه روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و پویایی قدرت است)، نظریه انتشار خط‌مشی (خط‌مشی بر اساس عواملی مانند یادگیری و تقلید و رقابت و اجبار اتخاذ و اقتباس می‌شود)، نظریه شبکه‌ها و حاکمیت مشارکتی (خط‌مشی‌گذاری فرایندی مشارکتی و شامل چندین ذی‌نفع و شبکه‌ای از بازیگران برای رسیدن به هدف مشترک)، نظریه پست‌مدرن (به چالش کشیدن نظریه‌های سنتی و نفی هر گونه تصمیم‌گیری مبتنی بر حقیقت عینی با رویکرد عقلانی واحد؛ بلکه خط‌مشی‌گذاری فرایندی از مذاکره و گفت‌وگو با شنیدن دیدگاه‌ها و ترکیب آنهاست)، نظریه انتقادی (عدم تعادل قدرت و نابرابری در خط‌مشی‌گذاری و اینکه خط‌مشی‌گذاری یک ساختار اجتماعی است که به جای نیازهای عموم مردم، منافع گروه‌های مسلط را منعکس می‌کند) و نظریه فمینیستی (تأثیر جنسیتی بر خط‌مشی‌گذاری و به چالش کشیدن ساختارهای مردانه مسلط در خط‌مشی‌گذاری و دفاع از خط‌مشی‌هایی که مروج برابری جنسیتی باشد).

آیا با کمک مبانی حکمی و اصول مکتبی و قواعد و احکام فقهی می‌توان به الگوی خط‌مشی‌گذاری عمومی مبتنی بر عقلانیت اسلامی رسید؟ به نظر نگارنده باید از الگوی خط‌مشی‌گذاری حکمی بهره برد؛ خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر عقل نظری و عملی و معاش و معاد.

۹- فرایند سیاست‌گذاری: خط‌مشی‌گذاری یا سیاست‌گذاری فرایندی به شرح ذیل دارد.

اول - مسئله‌شناسی: اولین گام در فرایند سیاست‌گذاری، مسئله‌شناسی است؛ اما باید به شش نکته توجه داشت که عبارت‌اند از: یک- داشتن دغدغه، کفایت نمی‌کند، بلکه باید مسئله و معضل واقعی را کشف کرد؛ همان مسئله‌ای که باعث نارضایتی و محرومیت در جامعه شده و یا می‌شود؛ همان‌گونه که وقتی بیماری برای مداوای خود نزد طبیب می‌رود، طبیب باید مسئله او را درست تشخیص دهد تا بتواند درمان درستی داشته باشد؛ دو- یک مسئله سیاستی از یک نیاز واقعی در جامعه حکایت می‌کند و حکمران را به بازنگری در سیاست‌گذاری پیشین یا شکل‌دهی فرایند جدید سیاست‌گذاری می‌کشانند؛ سه- مسئله‌ای در دستور کار سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد که نیاز فراگیر در جامعه و با مشروعیت حکومت و سازمان در ارتباط باشد و بی‌توجهی بدان ممکن نباشد؛ خواه مسئله پیشگیرانه یا در راستای حل درمان باشد؛ چهار- رسانه‌ها در شناسایی مسائل واقعی یا

معرفی مسائل دروغین، نقش مهمی دارند؛ پنج- پرداختن به انبوهی از مسائل به جهت منابع انسانی و مالی و زمانی ممکن نیست و به همین جهت باید اولویت و اولیتهای مسائل را شناسایی کرد؛ شش- هر مسئله سیاستی را باید به مثابه یک جریان اولویت و اولیت داشتن مسئله، توصیف مشکل، چاره‌اندیشی و یافتن راه‌حل، بررسی امکانات و داشته‌ها، همسان‌سازی با ارزش‌ها، ارتباط با افکار عمومی، فعالیت ذی‌نفعان و زمینه‌های اجتماعی دید.

دوم- تدوین سیاست: بعد از مسئله‌شناسی، تدوین سیاست، دومین گام در فرایند سیاست‌گذاری عمومی است. تدوین سیاست، قالب‌بندی راه‌حل اندیشیده شده یک مشکل عمومی در چارچوب قانونی و لباس حقوقی به شمار می‌آید که توسط قوه مقننه و مجلس یا پارلمان و نیز قوه مجریه و قوه قضائیه و شوراهای عالی در جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود. تدوین‌گران سیاست به کمک علم و هنر باید بتوانند داده‌ها و اطلاعات ناظر به مشکل عمومی را جمع‌آوری کنند و با توجه به محدودیت زمانی و منابع انسانی و مالی و محیط‌شناسی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به راه‌حلی دست یابند که قابلیت تبدیل آن به قانون میسر باشد و پاسخ درست و مفید و کارآمدی را به مجریان تحویل دهند. نکته بسیار مهم و البته مغفول نزد سیاست‌گذاران این است که سیاست مبتنی بر دکتترین مبتنی بر فلسفه است؛ برای مثال، فلسفه «سرمایه‌داری» به دکتترین «آزادی انجام فعالیت‌ها» و سپس سیاست «عدم دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی» می‌انجامد. متولیان سیاست‌گذاری باید فلسفه اسلامی یعنی مبانی اجتماعی اسلام و ایدئولوژی اسلامی یعنی اصول و اهداف اجتماعی اسلام را بدانند تا بر اساس مبانی حکمی و دکتترین اسلامی به تدوین سیاست بپردازند.

سوم- اجراسازی سیاست: سومین گام در فرایند سیاست‌گذاری، اجراسازی سیاست است. وقتی راه‌کارها و راه‌حل‌های مسئله‌ها و مشکلات اجتماعی به صورت قانونی درآمد، باید به اجرایی کردن آن اندیشید. بسیاری از سیاست‌ها تا زمان تدوین و تصویب، زیبا و جذاب و عالی هستند اما هنگامی که به مرحله اجرا می‌رسند فاسد می‌شوند. گاهی سیاست‌ها که قرار بود مشکلات را حل کنند، به مسئله جدیدی تبدیل می‌شوند. پس شکست و کامیابی یک سیاست به فرایند اجراسازی و عملی کردن در قالب برنامه‌نویسی آن برمی‌گردد. گاهی سیاستی اجرا می‌شود، اما ناکام می‌ماند و مشکل را حل نمی‌کند و یا حتی باعث بدتر شدن وضعیت می‌شود؛ بنابراین، بسیار مهم است که چرایی این

مسائل را بدانیم. پس ۱- اجرایی‌سازی را باید جدی گرفت و به اجرا، نگاه فرایندی داشت، یعنی اجرا آغاز و انجामी دارد و در قالب قوانین و تصمیمات و آیین‌نامه‌ها توسط قوه مقننه و قوه مجریه درمی‌آید؛ سازمان‌های خصوصی و مردم‌نهاد نیز در اجرای سیاست‌ها نقش مهمی دارند؛ ۲- رویکردهای مختلفی برای اجراسازی سیاست‌ها بیان شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: یک- رویکرد از بالا به پایین^۱؛ این رویکرد دارای مدل‌های مختلفی است؛ مانند مدل ون هورن و ون میتر؛ حکمرانان دولتی با این مدل، سیاست مصوب را با توجه به اهداف و استانداردها و منابع و شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و ویژگی‌های سازمان‌های اجرایی و آمادگی مجریان به مرحله اجرا می‌رسانند. دو- رویکرد پایین به بالا^۲؛ این رویکرد نیز مدل‌های مختلفی دارد؛ مانند مدل ریچارد المور و مایکل لیپسکی که بر شناسایی شبکه‌ی بازیگران محلی و منطقه‌ای و ملّی در سطوح پایین اجرایی تمرکز دارند. سه- رویکرد ترکیبی؛ ریچارد المور و پل ساباتیر در بازبینی مدل‌های پیشین، ترکیب و سنتزی از دو مدل را با واقعیت سازگارتر دانستند. ۳- به عوامل داخلی ناکامی (نادرستی خود سیاست از حیث محتوا و شکل، ناهماهنگی اجزای درونی یک سیاست، بی‌توجهی یک سیاست با سیاست‌های پیرامونی، بی‌توجهی به زمان و مکان اجرای سیاست یا بومی‌نساختن سیاست در مقام اجرا مانند تبلیغ آب‌سردکن برای قطب شمال، نادرستی برنامه‌ی اجرایی، کاستی‌های مجریان از حیث نداشتن دانش و تجربه و انگیزه‌ی لازم و هوش مدیریتی) و عوامل خارجی ناکامی (نبود عزم کافی حکمرانان برای اجرای سیاست، فقدان حمایت عمومی، نبود حمایت رسانه‌ای، ائتلاف مخالفان اجرای سیاست، تغییرات امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، کمبود منابع مالی) که در اجرای یک سیاست وجود دارند، باید توجه اساسی داشت.

چهارم- ارزیابی سیاست: چهارمین گام در فرایند سیاست‌گذاری، به ارزیابی سیاست اختصاص دارد که حاوی نکاتی است: ۱- هر سیاستی، تحلیلی قبل از تصویب و یک ارزیابی بعد از اجرا دارد. «تحلیل» عبارت از بررسی همه‌جانبه یک سیاست پیش از اجرا و نسبت آن با مسئله و هدف اصلی و «ارزیابی» عبارت است از سنجش تحقق سیاست با هدف اصلی و پیامدهای آن و قضاوت درباره آن ۲- فرایند ارزیابی عبارت است از: تعیین اهداف و مقاصد سیاست پیش از اجرا؛ شناسایی پیامدهای سیاست بر مسئله و معضل و

1. top-down approach

2. bottom-up approach

هدف اصلی؛ ملاک‌ها و استانداردهای سنجش تأثیرات سیاست؛ قضاوت درباره ناکامی و کامیابی سیاست پس از اجرا. ۳- دو دسته از افراد در ارزیابی سیاست نقش دارند: یکی ارزیابان داخلی که ذی‌نفع هستند، اما به اطلاعات دقیق و قوت‌ها و ضعف‌ها دسترسی دارند. دوم ارزیابان خارج از سازمان که ذی‌نفع نیستند و امکان داوری دقیق‌تر را دارند، اما از مجموعه اطلاعات درون سازمان برخوردار نیستند. ۴- ارزیابی باید در سه ساحت انجام شود: ارزیابی برنامه تحقق سیاست؛ ارزیابی تأثیر سیاست بر مسئله و معضل اجتماعی؛ ارزیابی تأثیر سیاست بر هدف اصلی و ارزیابی سیاست بر مسائل دیگر. فرا ارزیابی نیز بررسی مجموعه همه ارزیابی‌های انجام‌شده است. ۵- ارزیابی با روش‌های کمی و آماری و روش‌های کیفی جهت سنجش تحقق سیاست با هدف اصلی و پیامدها و اثرسنجی آن. ۶- موانع ارزیابی؛ ارزیابی سیاست گاهی با موانعی از جمله موانع روشی و دانشی و سیاسی و مالی و اطلاعاتی مواجه می‌شود

۳۵

پنجم- تغییر سیاست: پس از ارزیابی سیاست، در صورت موفقیت سیاست، تغییری اتفاق نمی‌افتد اما در صورت ناکامی یا کامیابی نسبی در رسیدن سیاست به هدف اصلی، گام پنجم فرایند سیاست‌گذاری یعنی توقف یا تغییر و تکمیل سیاست باید برداشته شود. پس ۱- پیچیدگی نظام‌های اجتماعی و تعاملات درونی و بیرونی آنها نشان می‌دهد که تغییر سیاست عمومی به صورت ناگهانی یا تدریجی، باید با احتیاط صورت پذیرد؛ ۲- تغییرات حداکثری سیاست‌های عمومی به مشروعیت جامعه‌شناختی حکومت آسیب می‌زند و ۳- ناموفق بودن سیاست در حل مسئله، ارتقای اثربخشی سیاست، تغییر مبانی و ایدئولوژی (اصول و اهداف کلان) و دکترین یک سیاست عمومی، کمبود منابع انسانی و مالی، پدید آمدن مشکلات ملی و فراملی جدید مانند جنگ یا تحریم، تحولات فناوری‌های نوین، فشار افکار عمومی و تشکل‌های مستقل مردمی می‌توانند از دلایل و علل تغییر سیاست به شمار آید.

ششم- پایان سیاست: ششمین گام فرایند سیاست‌گذاری، پایان سیاست است. عوامل پیش‌گفته در تغییر سیاست و نیز پایان مسئله اصلی یا ناتوانی سیاست یا پایان قانون و برنامه سیاستی یا پایان سازمان متولی سیاست می‌توانند چرایی پایان یک سیاست را تبیین کنند.^۱

۱. ر.ک به: حمیدرضا ملک محمدی، مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران ۱۴۰۱

۹- چيستی تنظيم گری حکمی

تنظيم گری، نوعی فرايند زمينه‌ساز برای اعمال حکمرانی است و شامل انواع مداخلات دولت و غير دولت برای ایجاد کنترل عمومی و تحقق اهداف حاکمیت می‌شود. ابزار تنظيم گری، مقررات گذاری و ساختار سازی و داوری و حل منازعات با رویکرد تسهیل گری و هوشمند سازی و با استفاده از فن‌آوری‌های نوین به ویژه هوش مصنوعی خواهد بود.^۱ به نظر نگارنده، تنظيم گری حکمی، فرايندی شامل قانون‌سازی، ساختار سازی و مسئولیت‌گذاری در چارچوب عقل نظری و عملی و معاش و معاد است که باید مستخرج از سیاست‌های حکمی و بنیان‌ها و ارزش‌های حکمت بنیان باشد.

شایان ذکر است: اول: باید بین سیاست‌گذاری و تنظيم گری پیوند فرايندی باشد. وقتی بنا بر این باشد که مجلس شورای اسلامی با کمک شورای نگهبان و مجمع تشخیص نظام در جمهوری اسلامی، فرايند قانون‌گذاری را طی کند؛ باید به سیاست‌گذاری‌های شوراهای عالی کشور توجه بشود؛ نه اینکه برخی از نمایندگان مجلس بر خلاف مصوبات شوراهای عالی کشور نظر بدهند و مردم و ذی‌نفعان را دچار چالش در حکمرانی کنند. شوراهای سیاست‌گذاری نیز باید به سیاست‌های کلان کشور و قانون اساسی توجه ویژه‌ای داشته باشند. دوم: سیاست‌ها و مقررات، باید مبتنی بر مبانی بنیادین و ارزش‌های برگرفته از مکتب اسلام باشد. به همین جهت سیاست‌گذاران و مقررات‌سازان، باید آگاهی ویژه‌ای به منظومه فکری امامین انقلاب داشته باشند.

۱. ر.ک به عبدالحسین خسروپناه، حکمت و فقه حکمرانی، گفتار هشتم و امامیان و همکاران، نظام ملی تنظيم گری، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۷

جدول شماره ۱: مقایسه تطبیقی حکمرانی مدرن و حکمی

ردیف	مفاهیم جنبه‌ها	حکمرانی مدرن	حکمرانی حکمی
۱	هویت	فرایند و مکانیسم‌های تعاملی و هوشمند در تصمیم‌گیری و نظارت	فرایند جامع و چندوجهی تصمیم‌سازی مشارکتی کارآمد و اثربخش و حکمروایی حکیمانه و مؤمنانه و ولایت‌مدارانه به صورت هوشمند و شبکه‌ای بین امام و امت
۲	مأموریت	فرایند سیاست‌گذاری و خط‌نگاری عمومی (ساحت استراتژی)؛ فرایند تنظیم‌گری (ساحت تاکتیک)؛ فرایند راهبری و هدایت‌گری جامعه (ساحت تکنیک‌ها)؛ فرایند تصدی‌گری و خدمات و خیر عمومی (ساحت عملیات)؛ فرایند نظارت	سیاست‌گذاری عمومی، تنظیم‌گری (قانون‌سازی، ساختار سازی و مسئولیت‌گذاری)، گفت‌وگو و اجماع‌سازی و راهبری جامعه، تصدی‌گری مشارکتی، نظارت و ارزیابی و اثرسنجی
۳	قلمرو	محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی	فردی، خانوادگی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی
۴	مبانی	لیبرالیسم، دموکراسی تعاملی، محافظه‌کاری، سوسیالیستی، مارکسیستی، فمینیستی	مبتنی بر خداپاوری و آیت‌شناسی توحیدی، انسان‌شناسی فطری، ولایت‌گرایی الهی و نفسی ولایت‌طاغوت (تولی و تبری)، راهنماشناسی نبوی و ولوی، خاتمیت و جامعیت قرآن، معرفت‌شناسی حکمی و قرآنی و سنت معصومان، دنیاسازی آخرت‌گرایانه و حکمرانی انحصاری الهی
۵	منابع	عقل و تجربه‌ی سکولار و منقطع از وحی بشری	حکمت عقلانی (خرد ناب: عقل نظری، عقل عملی، عقل معاش و عقل معاد) و شریعت و حیانی (سنت‌های تکوینی و قواعد و قوانین و حدود الهی و حقایق تاریخی برگرفته از کتاب الهی و روایات نبوی و ولوی)
۶	الگو	حکمرانی سنتی، حکمرانی نوین و مبتنی بر مدیریت دولتی نوین، حکمرانی خوب	الگوی شبکه‌ای از حاکمیت و بخش خصوصی و تعاونی‌های مردم‌نهاد مبتنی بر حکمت و ولایت

ردیف	مفاهیم جنبه‌ها	حکمرانی مدرن	حکمرانی حکمی
۷	اصول	تسهیلگری و تمرکززدایی و اشتراک‌گذاری در قدرت و کنترل فشار و فعالیت‌های اجتماعی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انصاف، حاکمیت قانون، پاسخگویی در کل سیستم حکمرانی، مبارزه با فساد، اثربخشی	قیام الله و خشیت انحصاری الهی، اخلاق و تقوا مداری، هدایتگری و تبشیر و انذار نسبت به حاکمیت و جامعه، حفظ شعائر الهی، اهتمام به حیات انسانی، حاکمیت قانون توحیدی، توجه به ایدئولوژی و فرهنگ و سنت و ارزش‌ها و احکام اسلامی، توازن مصلحت‌اندیش بین ارزش‌ها و اهداف در فرایند حکمرانی، امانت‌داری، صداقت در گفتار و عمل، احسان و ایثار و عفو، تعاون بر نیکی و سبقت گرفتن به خیر، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در همه فرایند حکمرانی، تعامل سازنده بین نهادهای حاکمیتی و خصوصی و تعاونی مردم‌نهاد، شفافیت، تسهیلگری و نفی حرج، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی منابع انسانی و طبیعی، تمرکززدایی دولتی در ساحت تصدی‌گری، مشارکت حداکثری در فرایند حکمرانی، کنترل فشارهای دولتی و تشکل‌های ذی‌نفع و رسانه‌ای، حفظ تعادل و مهار سوء‌استفاده از بازار و تعاونی‌ها و اصلاح شکست بازار و تعاونی‌ها
۸	اهداف	رشد و توسعه، اجماع‌سازی، عدالت و برابری و فراگیر بودن، امنیت، رفاه، پایداری، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی، برآوردن انتظارات قانونی شهروندان	تحقق جامعه توحیدی دارای حیات طیبه و دستیابی به تمدن اسلامی و تقرب الهی از طریق خودسازی و معنویت‌کنشگران، جامعه‌سازی اخلاقی و متقی و مهندسی و حزب‌اللهی، پیشرفت همه‌جانبه و متوازن و فراگیر و پایدار، عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها و باز توزیع منابع ثروت و قدرت بین آحاد جامعه، امنیت مالی و جانی و روانی و معنوی جامعه، ارتقاء سطح رفاه همگانی و معیشت و معنویت مردم، پایداری و حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست، گسترش فرهنگ و صنعت حلال، برآوردن انتظارات قانونی شهروندان، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی.

۱۰- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد به مهم‌ترین تعریف‌های تخصصی در خصوص مفهوم «حکمرانی مدرن» با رویکردها و رهیافت‌های مختلف پرداخته شود. در این راستا با استفاده از روش کیفی و تحلیل مضمون کلیدواژه‌ها و تعاریف مفهوم حکمرانی استخراج و به هوش مصنوعی داده شد که در نهایت سه پاسخ درباره حکمرانی به وسیله هوش مصنوعی تدوین گردید. سپس نگارنده با استفاده از تعاریف مدرن و هوش مصنوعی از حکمرانی تعریف خود از حکمرانی مدرن را با دوازده مؤلفه مرتبط با آن تفسیر و ارائه نمود. همچنین حکمرانی ولایی برگرفته از سوره مائده و حکمرانی مردمی از دیدگاه مقام معظم رهبری معرفی شد. سپس نظریه حکمرانی حکمی با نه رکن هویت، مأموریت، قلمرو، مبانی، منابع، الگو، اصول، اهداف حکمرانی و ویژگی حکمرانان بیان گردید و به سیاست‌گذاری حکمی و تنظیم‌گری حکمی به عنوان دو مؤلفه مهم حکمرانی پرداخته شد و در نهایت مقایسه تطبیقی حکمرانی مدرن و حکمرانی حکمی ارائه و تبیین شد. چند نکته جهت نتیجه‌گیری بیان می‌گردد:

- ۱- حکمرانی را نباید در عرض علوم اجتماعی دانست؛ بلکه حکمرانی، یک الگوی علمی فن‌آورانه مستخرج از علوم اجتماعی و مؤثر بر علوم اجتماعی است.
- ۲- حکمرانی، مترادف با حکومت‌داری نیست؛ بدین معنا که حکومتی می‌تواند دارای حکمرانی باشد یا نباشد و یا حکمرانی می‌تواند در حکومت تجلی کند یا نکند؛ چون رکن رکن حکمرانی، مشارکت حداکثری مردم در فرایند پیش‌گفته است که در هر نهاد غیردولتی نیز قابل‌تصور است.
- ۳- رکن مشارکت حداکثری مردم با رکن ولایت مداری تنها در حکمرانی ولایی و حکمرانی حکمی قابل جمع است و تعاریف مدرن با ایدئولوژی‌های لیبرالیستی و سوسیالیستی‌ها در این مسئله، گرفتار پارادوکسیکال خواهد بود.
- ۴- حکمرانی، اعم از حکمرانی خوب است و نباید حکمرانی را با حکمرانی خوب مترادف دانست؛ اما متأسفانه در ذهن برخی مدرسان دانشگاهی چنین مغالطه‌ای وجود دارد که باید برطرف بشود. حکمرانی سالم و سایر مکاتب حکمرانی در مقابل حکمرانی خوب قرار دارند.

۵- برای اداره کشور علاوه بر کشف نظریه‌های علم و فن‌آوری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، سلامت و بهداشت، امنیتی، حقوقی؛ باید الگوی حکمرانی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و علم و فن‌آوری و غیره، کشف و تدوین گردد؛ آنگاه به تدوین اسناد راهبردی و راهبری در این مقوله‌ها پرداخت.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. سخنان آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای درباره حکمرانی در تاریخ: (۱۳۷۴/۷/۲۲)، (۱۳۷۴/۷/۲۵)، (۱۳۷۴/۷/۲۹)، (۱۳۷۷/۲/۱۸)، (۱۳۸۹/۹/۴)، (۱۳۷۹/۱۲/۲۰)، (۱۳۹۴/۲/۲۶)، (۱۴۰۰/۱/۱)، (۱۴۰۰/۱۲/۱۰)، (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)، (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).
۴. ابراهیمی، سید عباس، و دانایی فرد، حسن (۱۳۹۶). خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد، سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان.
۵. ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر، لبنان، بیروت: انتشارات مؤسسه التاریخ العربی.
۶. اسپیکر، پل (۱۳۹۲). موضوعات و رهیافت‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۷. اسمیت، کوین بی، و دابلوی لاریمر، کریستوفر (۱۳۹۸). درآمدی بر نظریه خط‌مشی عمومی (تقابل نظری عقل‌گرایان و فرا تحصیل‌گرایان)، ترجمه حسن دانایی فرد، تهران: صفار.
۸. اشتریان، کیومرث (۱۴۰۲). نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی «کاربردها و تجربه‌ها در ایران»، تهران: نشر میزان.
۹. امامیان و همکاران (۱۳۹۷). نظام ملی تنظیم‌گری، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. امانی، محمدرضا (۱۴۰۰). مفاهیم کلیدی حکمرانی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
۱۱. بیگی، وحید (۱۳۹۶). مروری جامع بر نظریه‌ها و مبانی خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: نگاه دانش.
۱۲. پی‌یر، یان، و پیترز، گای (۱۳۹۳). حکمرانی، سیاست و دولت، ترجمه حسین قلجی، تهران: رهیافت خط اول.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: اسراء، ج ۲۱.
۱۴. خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲). حکمت و فقه حکمرانی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۵. خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲-۱۴۰۳). درس خارج فقه حکمرانی، حوزه علمیه مشکات، مخطوط.
۱۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲-۱۴۰۰). درس خارج حکمرانی علوی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، مخطوط.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. راجر، ای‌مکین (۱۳۹۲). نظریه‌بازی‌ها و سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه علی بغیری، تهران.
۱۹. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰م). تفسیر المنار، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۰. زرکشسی، محمدبن بهادر (۱۴۲۸ق). البرهان فی علوم القرآن، قدم له و علق علیه و خرج احادیثه

- مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق). رساله فی تأثیر الزمان و المكان علی استنباط الاحکام، قم: موسسه امام صادق (ع).
۲۲. شفریتز، جی ام (۱۳۹۸). دانشنامه سیاست‌گذاری عمومی و مدیریت دولتی، ترجمه نادر هوشمندیار، تهران: شورآفرین.
۲۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۴). تفسیر المیزان، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. عقبائی جزئی، محمد (۱۳۹۶). اجرای خط‌مشی عمومی با رویکرد حکمرانی، تهران: سخنوران.
۲۵. بیور، مارک (۱۳۹۸). حکمرانی درامدی بسیار کوتاه، ترجمه غلامرضا سلیمی و داود کریمی پور، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۶. معرفت، محمدهادی (۱۴۲۸ق). التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۲۷. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین، تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
۲۸. ملک‌محمدی، حمید رضا (۱۳۹۶). مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۹. مولر، پیر (۱۳۷۸). سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر دادگستر.
۳۰. وحید، مجید (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری عمومی، تهران: میزان.
۳۱. ویلیام ان. دان، تحلیل خط‌مشی عمومی رویکرد یکپارچه، ترجمه: حسن دانایی فرد، انتشارات سمت، تهران، ۱۴۰۲.

32. Farazmand, Ali. (2004). *Sound Governance Policy and Administrative Innovations* edited. greenwood publishing group.
33. Andrews, Matt. (2008). *The Good Governance Agenda: Beyond Indicators without Theory*. In *Oxford Development Studies*.
34. Kaufmann, D., & Kraay, A. (2023). *Worldwide Governance Indicators, 2023 Update* (www.govindicators.org), Accessed on 10/19/2023.
35. Bevir, M. (2012). *Governance: A very short introduction*.
36. Peters, B. Pierre, J. Sorensen, E. & Torfing, J. (2022). *Foundations for thinking about governance*. In *A research agenda for governance*. Edward Elgar Publishing.
37. Peters, B. G., & Pierre, J. (1998). *Governance without government? Rethinking public administration*. *Journal of public administration research and theory*, 8(2).
38. Klijn, E. H. & Koppenjan, J. (2015). *Governance networks in the public sector*. Routledge.
39. Jessop, B. (1997). *The Governance of Complexity and the Complexity of Governance: Preliminary Remarks on Some Problems and Limits of Economic Guidance*. *Beyond Market and Hierarchy: Interactive Governance and Social Complexity*/Edward Elgar.
40. Asaduzzaman, M., & Virtanen, P. (2016). *Governance theories and models*. In *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance*. Cham: Springer International Publishing.
41. Malik, M. (2016). *Foundations of Islamic Governance: A Southeast Asian Perspective*. Routledge.
42. Ansell, C. & Torfing, J. (Eds). (2022). *Handbook on theories of governance*. Edward Elgar Publishing.
43. Levi-Faur, D. (2010). *Jerusalem papers in regulation & governance*. Jerusalem Forum Working Paper.
44. Ansell, C. & Gash, A. (2008). *Collaborative governance in theory and practice*. *Journal of public administration research and theory*, 18(4).

45. Lynn Jr, L. E. (2010). Foundations of Public Administration, Governance. *ASPA*.
 46. Rhodes, R. A. (2007). Understanding governance: Ten years on. *Organization studies*.
 47. Meuleman, L. (2021). Public administration and governance for the SDGs: Navigating between change and stability. *Sustainability*.
 48. <https://www.un.org>.
 49. <https://documents1.worldbank.org>.
 50. <https://khosropanah.ir>.

i. مستندات خداشناسی در سوره مائده: اصالت حکم ارادی الهی («إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»؛ گستره علم الهی («إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ کفر خواندن الوهیت دانستن مسیح بن مریم («لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ»؛ فرمانروایی مطلق خداوند («وَاللَّهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»؛ خالقیت مختارانه حق تعالی (یخلق ما يشاء)؛ قدرت مطلقه الهی (وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ مشیت حکیمانه الهی در مغفرت و عذاب افراد (يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ)؛ فاعلموا أن الله غفور رحيم، الله اعلم بما كانوا يكتنون، و الله لا يحب المفسدين، ان الله لا يهدي القوم الكافرين، و الله بصير بما يعملون، و الله غفور رحيم، و الله هو السميع العليم، و الله غفور رحيم، قل أتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضراً ولا نفعاً و الله هو السميع العليم، إن الله لا يحب المعتدين، يبين الله لكم آياته لعلكم تشكرون، و الله يحب المحسنين، و الله عزيز ذو انتقام، و أن الله غفور رحيم، و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون، و الله غفور حلیم، و الله لا يهدي القوم الفاسقين، أنت على كل شيء شهيد، فانك انت العزيز الحكيم، كنت انت الرقيب عليهم، إنك انت علام الغيوب، أن الله يعلم ما في السموات و ما في الارض، و أن الله بكل شيء عليم، أن الله شديد العقاب، لله ملك السموات و الارض و ما فيهن و هو على كل شيء قدير.

ii. مستندات خداشناسی در سوره مائده: اصالت حکم ارادی الهی («إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»؛ گستره علم الهی («إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ کفر خواندن الوهیت دانستن مسیح بن مریم («لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ»؛ فرمانروایی مطلق خداوند («وَاللَّهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»؛ خالقیت مختارانه حق تعالی (یخلق ما يشاء)؛ قدرت مطلقه الهی (وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ مشیت حکیمانه الهی در مغفرت و عذاب افراد (يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ)؛ فاعلموا أن الله غفور رحيم، الله اعلم بما كانوا يكتنون و الله لا يحب المفسدين، ان الله لا يهدي القوم الكافرين، و الله بصير بما يعملون، و الله غفور رحيم، و الله هو السميع العليم، و الله غفور رحيم، قل أتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضراً ولا نفعاً و الله هو السميع العليم، إن الله لا يحب المعتدين، يبين الله لكم آياته لعلكم تشكرون، و الله يحب المحسنين، و الله عزيز ذو انتقام، و أن الله غفور رحيم، و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون، و الله غفور حلیم، و الله لا يهدي القوم الفاسقين، أنت على كل شيء شهيد، فانك انت العزيز الحكيم، كنت انت الرقيب عليهم، إنك انت علام الغيوب، أن الله يعلم ما في السموات و ما في الارض، و أن الله بكل شيء عليم، أن الله شديد العقاب، لله ملك السموات و الارض و ما فيهن و هو على كل شيء قدير.

iii. مستندات پیامبرشناسی در سوره مائده: بعثت پیامبران با بینه (لقد جائتهم رسلاً بالبينات)؛ شناساندن حقایق الهی به اهل کتاب توسط پیامبر (يا اهل الكتاب قد جائكم رسولنا ببين لكم كثيرا مما كنتم تخفون من الكتاب)؛ پیامبر مظهر عفو الهی (و يعفو عن كثير)؛ نورانیت کتاب الهی (قد جائكم من الله نور و كتاب مبين)؛ نقش هدایت پاداشی کتاب الهی به سوی سبیل السلام و صراط مستقیم و خروج از ظلمات به نور برای پیروان رضوان الهی به اذن الهی (یهدی به الله من أتبع رضوانه سبیل السلام و يخرجهم من الظلمات الى النور باذنه و یهدیهم الى صراط مستقیم)؛ هلاکت پذیر مسیح و مریم و همه موجودات زمین و نفی مالکیت همه موجودات (قل فمن يملك من الله شيئاً إن اراد أن يهلك المسيح ابن مریم و أمه و من فی الارض جميعاً)، نفی نژادپرستی و فرزند خدایند برای یهود و نصاری (قالت اليهود و النصاری نحن ابناء الله و احبأؤه قل فلم یعذبهم بل أنتم بشر ممن خلق)؛ تبیین گری و بشارت و انذار رسول الله برای اهل کتاب و اتمام حجت برای آنها بعد از فترت زمانی (يا اهل الكتاب قد جائكم رسولنا یبین لكم علی فتره من الرسل أن تقولوا ما جاءنا بنبی و نذیر.

iv. مستندات انسانشناسی در سوره مائده: نفی اختیاری نسبت به دیگران (انی لا أملك إلا نفسي و

أخی؛ تطویع و رام کردن نفس با جلوه دادن برادرکشی و کشتن برادر (فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسَهُ قَتَلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ)؛ قتل هر انسانی در حکم قتل انسانیت و احیای هر انسانی در حکم احیای انسانیت است (من قتل نفساً بغير نفس أو فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً و من أحیایها فکانما أحیای الناس جمیعاً)؛ قیام برای مردم دانستن کعبه (جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلاند)؛ عدم تساوی خبیث و طیب، خودسازی: علیکم انفسکم.

iv. مستندات امامت‌شناسی در سوره مائده: ولایت ائمه اطهار و لزوم تقرب به خدا با اتخاذ وسیله از جمله جهاد و تولی و توسل به اهل بیت و تبری از دشمنان آنها (وابتغوا الیه الوسیله) و (و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون).

v. مستندات امامت‌شناسی در سوره مائده: ولایت ائمه اطهار و لزوم تقرب به خدا با اتخاذ وسیله از جمله جهاد و تولی و توسل به اهل بیت و تبری از دشمنان آنها (وابتغوا الیه الوسیله) و (و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون).

vi. ناممکن بودن رهایی کافران از عذاب قیامت و عدم پذیرش فدیة همه امور زمین و همانند آن و عدم امکان خروج از آتش و عذاب دردناک و همیشگی آنها (ان الذین کفروا لو ان لهم ما فی الارض جمیعاً و منله لیفتدوا به من عذاب یوم القیامه ما تقبل منهم و لهم عذاب الیم یریدون ان یرجوا من النار و ما هم بخارجین منها و لهم عذاب مقیم)، توبه‌پذیری توبه‌کاران واقعی (فمن تاب من بعد ظلمه و أصلح فان الله یتوب علیه ان الله غفور رحیم)؛ فرمانروایی و قدرت مطلق الهی و تنها عذاب و مغفرت به دست اوست (ألَمْ تَعْلَمْ ان الله له مُلْکُ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ یُعْذِبُ مَنْ یَشَاءُ وَ یَغْفِرُ لِمَنْ یَشَاءُ وَ اللهُ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ)، بازگشت همه بسوی خداوند متعال و آگاهی‌سازی درباره اختلافاتان (الی الله مرجعکم جمیعاً فینیبکم بما کنتم فیهِ تخیلفون)؛ معاد (و الیه المصیر)؛ اهل تقوا و ایمان و عمل صالح نسبت به خوردنی‌های حرام قبل از صدور حکم الهی، عقابی ندارند و قتی که مراتب بالاتر تقوا و ایمان و احسان را داشته باشند (لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا اذا ما اتقوا و امنوا و عملوا الصالحات ثم اتقوا و امنوا ثم اتقوا و أحسنوا و الله یحب المحسنین)؛ یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا أجبتم قالوا لا علم لنا إنک أنت علام الغیوب، هذا یوم ینفع الصادقین صدقهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها أبدا رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك الفوز العظیم.

۴۳

vii. کفر و فسق و ظلم خواندن پذیرش حکم غیر الهی و تقابل دانستن حکم الهی و تبعیت از هوای نفس و دوری از تبعیض‌سازی حکم الهی و حکم جاهلی خواندن احکام غیر الهی و من لم یحکم بما أنزل الله فاولئک هم الکافرون و من لم یحکم بما أنزل الله فاولئک هم الظالمون، و من لم یحکم بما أنزل الله فاولئک هم الفاسقون، فاحکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع أهواءهم، و أن احکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع أهواءهم و احذرهم أن یفتنونک عن بعض ما أنزل الله الیک، أفحکم الجاهلیه ینعون و من أحسن من الله حکماً لقوم یوقنون.

viii. مستند حکمت‌بنیانی در سوره مائده: «اذ علمتک الكتاب و الحکمه»

ix. مستندات قواعد الهی در سوره مائده: قاعده وفای به عقد تکوینی و تشریحی در احکام فردی و اجتماعی (او فوا بالعقود)؛ قاعده حرمت نهادن به شعائر الهی (لاتحلوا شعائر الله)؛ قاعده تعاون‌گرایی بر بر و تقوا و دوری از اثم و عدوان (تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان)؛ قاعده عدم خشیت کفار و لزوم خشیت الهی؛ قاعده اضطرار (فمن اضطر فی مخمضه غیر متجانف لإثم)؛ قاعده حلیت طیبات؛ قاعده نفی حرج (مسا یرید الله لیجعل علیکم من حرج)؛ قاعده یادآوری نعمت‌ها و میثاق‌های الهی (و اذکروا نعمه الله علیکم و میثاقه الذی و اتقتم به)؛ قاعده لزوم تقوای الهی؛ قاعده لزوم توکل الهی (و علی الله فلیتوکل المؤمنون)؛ قاعده عفو و صفح (فاعف عنهم و اصفع ان الله یحب المحسنین)؛ قاعده لزوم داوری به عدل (و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله یحب المقسطین)؛ قاعده لزوم سبقت‌گیری در کارهای خیر (فاستبقوا الخیرات)؛ عدم جواز پرسش از اموری که پاسخ ناگوار دارد. قاعده جهاد فی سبیل الله

x. مستندات قوانین و حدود الهی در سوره مائده: حلیت منافع انعام (احلت لکم بهیمه الانعام)؛ حرمت میته و دم و لحم خنزیر و ذبیح بدون نام خدا و منخنقه و موقوذه و متردیه و نطیحه و نیمخورده درندگان و تقسیم با ازلام، احکام سگ شکاری، جواز نکاح با زنان مؤمن و اهل کتاب پاکدامن، حلیت ذبیحه اهل کتاب، احکام

وضو و تیمم، حرمت قتل ظالمانه نفس، حرمت فساد در زمین، حد محارب با خدا و رسول و مفسد فی الارض عبارت از قتل، به دار آویختن، قطع دست راست و پای چپ، تبعید و نفی از سرزمین خود است و با توبه قبل از دستگیری، حد دنیوی و عذاب اخروی برداشته می شود و بعد از دستگیری تنها عذاب اخروی برداشته می شود، لزوم تقوای الهی و لزوم برگرفتن وسیله تقرب به خدا و لزوم جهاد در راه خدا (اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله)، حکم حد و قطع دستان سارق و سارقه (و السارق و السارقه فاقطعوا أیدیهم)، قانون قصاص (و کتبنا علیهم فیها أن النفس بالنفس و العین بالین و الانف بالانف و الأذن بالأذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو کفار له)، گناه و دشمنی و حرام خواری امور حرام است (و تری کثیرا منهم یسارعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون)، نهی از منکر نکردن علما حرام است (لولا ینهاهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یصنعون)، حرام نسازی طیبات حلال (یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات ما أحل الله لکم)، حرمت تعدی از احکام الهی (و لا تعتدوا)، جواز خوردن چیزهای حلال و پاکیزه (و کلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً)، عدم مؤاخذه سوغندهای بیبوده، بازخواست کردن از سوغندهای با قصد و جدیت، کفاره شکستن سوغند جدی عبارت از طعام ده بینوا یا پوشاندن ده بینوا یا آزاد سازی یک بنده و در صورت نیافتن آن، گرفتن سه روز روزه، حرمت شراب و قمار و پرستش بت ها و قرعه های قمارگونه، حرمت صید خشکی در حال احرام و کفاره قتل عمد حیوانات با قربانی معادل آن حیوانات از جنس چهارپایان به حکم دو عادل یا روزه گرفتن، حلیت صید دریایی و خوراک آنها در حال احرام، عدم حرمت استفاده از بحیره و سائبه و وصیله و حام، حکم گواهی دو تن از مسلمانان یا غیرمسلمانان در هنگام وصیت و فرارسیدن مرگ و در صورت شک در گواهی دو شاهد غیرمسلمان می توان از شهادت خویشاوند میت بهره برد.

۱۰. مستندات سنت های الهی در سوره مانده: پیوند کفر و حبط عمل (من یکفر بالایمان فقد حبط عمله و هو فی الآخرة من الخاسرین)، پیوند ایمان و عمل صالح با مغفرت و اجر عظیم (وعده الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفره و اجر عظیم)، پیوند کفر و تکذیب آیات الهی با جحیم بودن (و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا أولئک أصحاب الجحیم)، سنت جلوگیری خداوند از توطئه دشمنان در براندازی اسلام (إذ هم قومٌ أن یسطوا الیکم ایدیهم فکف أیدیهم عنکم)، سنت معیت الهی در صورت اقامه نماز و ایفاء زکات و ایمان به رسل و تقویت آنها و قرض نیکو دادن و تکفیر سیئات و جنات دارای نهرهای جاری (قال الله انی معکم لئن اقمتم الصلوه و... و لادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار)، سنت پیوند کفرورزی با گم کردن راه (فمن کفر بعد ذنبک منکم فقد ضلّ سواء السبیل)، سنت پیوند پیمان شکنی یعنی تحریف کلمات الهی و فراموشی معارف الهی و خیانت با لعنت الهی و سخت سازی قلوب (فیما تقضهم میثاقهم لَعْنَاهُمْ و جعلناهم قلوبهم قاسیه یحرفون الکلم عن مواضعه...)، سنت رابطه پیمان شکنی و عذاب دنیوی و دشمنی و کینه توزی و کفر اخروی (فاغرینا بیئهم العداوه و البغضاء الی یوم القیامه و سوف ینبئهم بما کانوا یصنعون)، سنت پیوند خوف و توکل و نعمت الهی و قیام الهی با غلبه بر دشمن (قال رجلان من الذین یخافون أنعم الله علیهما ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون و علی الله فتوکلوا إن کنتم مؤمنین)، سنت شریعت و منهاج داشتن هر امتی (لکل جعلنا منکم شرعاً و منهاجاً) و سنت امتحان الهی بر عدم جعل امت واحده (و لو شاء الله لجعلکم امه واحده و لکن لیبولکم فی ما آتاکم)، سنت من یتولهم فانه منهم، سنت رابطه ولایت پذیری یهود و نصاری با حبط عمل (إنهم لمعکم حبطت أعمالهم فاصبحوا خاسرین)، سنت جایگزینی قومی (یحیهم و یحیونه أذله علی المؤمنین و أعزه علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لایخافون لومه لائم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله واسع علیم) به جای مرتدین از دین الهی، سنت رابطه ملعون الهی و مسخ شدن با پرستش طاغوت (من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القرده و الخنازیر و عبد الطاغوت)، سنت دفاع الهی از آتش جنگ کافران (کلما أوقدوا ناراً للحرب أطفاها الله)، سنت رابطه ایمان و تقوا با تکفیر گناهان (و لو أن اهل الکتاب آمنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم و لادخلناهم جنات النعیم)، سنت اقامه کتاب آسمانی و افزایش روزی (و لو أنهم أقاموا التوراه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لأکلوها من فوقهم و من تحت أرجلهم)، سنت رابطه داشتن موقعیت مؤمنان با اقامه تورات و انجیل و قرآن (قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقیموا التوراه و الانجیل و ما أنزل الیکم من ربکم)، سنت رابطه ایمان

به خدا و قیامت و عمل صالح با دوری از ترس و اندوه (ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئون و النصارى من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون)، سنت رابطه شرک و محرومیت از بهشت (إنه من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة و ماواه النار و ما للظالمین من أنصار)، سنت رابطه استمرار در کفر ورزی با عذاب الیم (و إن لم ینتهوا عما یقولون لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم)، سنت رابطه توبه و استغفار با مغفرت الهی (افلا یتوبون الی الله و یتستغفرونه و الله غفور رحیم)، سنت رابطه ایمان و بهشت (فانابهم الله بما قالوا جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها و ذلک جزاء المحسنین)، سنت رابطه کفر و تکذیب آیات با جهنم (و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا أولئک أصحاب الجحیم)، رابطه شرب خمر و قمار با دشمنی و کینه توزی و بازداشتن از یاد خدا و نماز، سنت آزمون الهی از طریق دست رسی صید در حال احرام، سنت رابطه تعدی و عذاب الهی (فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم).

xii. مستندات حقایق تاریخی در سورة مائده: پیمان شکنی یهودیان و پیامدهای آن (و لقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل فيما نقضهم ميثاقهم)، پیمان شکنی نصاری و پیامدهای آن (و من الذین قالوا إنا نصاری أخذنا ميثاقهم فنسوا حظاً مما ذكروا به)، توصیه حضرت موسی علیه السلام به قومش درباره یادآوری نعمت های ویژه از جمله نبوت و حاکمیت و استقلال و آزادی (و إذ قال موسی لقومه یا قوم اذکروا نعمه الله علیکم إذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکا و آتاکم ما لم یؤت احداً من العالمین)، دستور در آمدن بنی اسرائیل به سرزمین مقدس به شرط عدم ارتداد و سرپیچی بنی اسرائیل از دستور موسی و پیشنهاد دو مرد خدا ترس و دارای نعمت و توکل الهی برای قیام و غلبه بر دشمن و مخالفت بنی اسرائیل از این پیشنهاد و جسارت و رفاه طلبی و قعود بنی اسرائیل و اصرار بر جنگیدن موسی و رب موسی و درخواست موسی از خداوند برای جدایی بین جریان موسی و قوم فاسق و حرام سازی سرزمین مقدس تا چهل سال برای بنی اسرائیل و سرگردانی آنها در سینا (یا قوم ادخلوا الارض المقدسه التي کتب الله لکم و لاترتدوا علی أذبارکم فتنقلبوا خاسرین قالوا یا موسی إن فیها قوما جبارین و إن لن ندخلها حتی یخرجوا منها فان یخرجوا منها فأننا داخلون فاذهب أنت و ربک إنا هاهنا قاعدون)، داستان واقعی دو پسر آدم در راستای تقرب جستن آن دو به خداوند سبحان و پذیرش از هابیل و عدم پذیرش از قابیل و تهدید به قتل هابیل توسط قابیل و سقوط معنوی و دوزخی شدن قابیل و آسان سازی قتل برادر توسط نفس سرکش قابیل و آموزش دفن برادر توسط کلاغ و سرانجام پشیمانی (و ائیل علیهم نبأ ابنی آدم بالحق فاصبح من النادمین)، توصیه به محزون نشدن پیامبر (ص) از شتابانی و مسارعۀ عده ای در امتداد کفر همچون منافقان و اظهارکنندگان دروغین به ایمان و یهودیان و شنوندگان مطالب دروغ و تحریف گران کلمات الهی و فتنه انگیزی یهودیان و ناتوانی پیامبر از کاهش عذاب آنها و پاک نشدن قلوب و عذاب عظیم آنها، یهودیان، گوش می دهند برای دروغ سازی و حرام و ربا خواری می کنند و وقتی نزد تو آمدند یا بین آنها داوری کن یا اعراض کن و با اعراض از آنها، زبانی به تو نمی رسد و در صورت داوری، به عدالت داوری کن، چگونه یهودیان تو را داور قرار می دهند در حالیکه تورات دارای حکم الهی نزدشان است و بعد از داوری مطابق تورات از حکم خدا روی برمی گردانند و عدول یهودیان از تورات ریشه در بی ایمانی دارد، تورات، کتاب هدایت و نور و وسیله داوری پیامبران و یهودیان و ربانیون و احبار بوده است پس نباید از دیگران ترسید و تنها از خدا باید ترسید و آیات الهی را با بهایی ناچیز نفروشد و قوانین قصاص را در تورات بیان گردید و به دنبال پیامبران گذشته، عیسی بن مریم تصدیقگر تورات و دریافت کننده انجیل دارای نور و هدایت و مصدق تورات و هدایتگر و موعظه برای متقین فرستاده شد و باید اهل انجیل بدان حکم کنند و نزول قرآن تصدیق گر کتب آسمانی و مهیمن بر آنها و لزوم حکم به ما انزل الله و عدم تبعیت از هوای نفس، به اهل کتاب بگو: آیا جز این را بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و ما انزل الله ایمان آوردیم و بگو: آیا شما را از کسانی کیفرشان نزد خدا بدتر است خبر دهم و کسانی هستند که خدا لعنتشان کرده و بر آنها خشم کرده و برخی به صورت خوک و بوزینه در آمدند به جهت بندگی طاغوت و نپذیرفتن ولایت الهی و بد جایگاهی دارند و گمراه از راه راست هستند. یهودیان منافقانه با ادعای ایمان نزد رسول الله می آیند در حالی که با کفر، داخل و خارج می شوند و خداوند به پنهان کاری آنها آگاه است. بسیاری از یهودیان با سرعت به سراغ گناه و دشمنی و حرام خواری می روند؛ چرا علمای نصاری و یهود آنها را از گفتار گناه آلود و حرام خواری باز

نمی دارند. یهود، دست خداوند را بسته دانستند در حالی که دست خودشان بسته است و دست خداوند باز است و به هر کسی بخواهد می بخشد و آنچه بر پیامبر نازل شده بر سرکشانی آنها می افزاید و ما تا روز قیامت بین آنها، دشمنی و کینه توزی قرار می دهیم و هر گاه آتش جنگ با مسلمانان افروختند؛ خدا آن را خاموش ساخت. اهل کتاب و مسلمانان دو دسته اند: برخی معتدل و درستکارند و بسیاری بد عمل می کنند. ای رسول خدا آنچه بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن اگر چنین نکنی هرگز رسالت او را نرساندی و خدا تو را ننگه می دارد (یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین)، بسیاری از اهل کتاب با نزول آیات بر پیامبر اکرم، گرفتار سرکشی و کفر می شوند پس بر قوم کافر اندوه مدار (و لَیَزِيدَنَّ کَثِیرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ الَیکَ مِنْ رَبِّکَ طَفِیَانًا وَ کَفَرًا فَلَا تُؤَسُّ عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ)، از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی فرستادیم و هر گاه مطالب پیامبران، دلخواهشان نبود گروهی را تکذیب و گروهی را کشتند. پنداشتند عذابی و بلایی در کار نیست پس کور و کر شدند سپس خداوند به آنها بازگشت و باز کور و کر شدند، گویندگان به ان الله هو المسیح ابن مریم کافر شدند؛ مسیح گفت: ای بنی اسرائیل الله ربی و ربکم را پسرستید؛ گفته مسیحان: ان الله ثالث ثلاثة کفر است و ما من الاله الا اله واحد؛ حضرت مسیح فرزند مریم و تنها فرستاده است فرستادگان پیش از او بودند و درگذشتند و مادرش بانوی صدیقه بود و هر دو غذا می خوردند. بگو: ای اهل کتاب در دیتان به ناحق غلو نکنید و از هوس های قوم پیشین گمراه شده و گمراه کننده و منحرف، پیروی نکنید، کافران بنی اسرائیل به جهت نافرمانی و تعدی از زبان داود و عیسی لعنت شدند و آنها یکدیگر را کار ناشایسته باز نمی داشتند و بسیاری از آنها کافران را دوست خود می گیرند و اگر به خدا و پیامبر و ما أنزل الیه ایمان می آوردند؛ کافران را ولی نمی گرفتند، یهود و مشرکان، سرسخت ترین مردم در دشمنی با مؤمنان و نصاری به جهت داشتن کشیشان و راهبان غیرمستکبر، نزدیک ترین آنان در دوستی با مؤمنان اند و وقتی آیات نازل بر پیامبر را می شوند، به خاطر شناخت حقیقت، اشک می بارند و می گویند: رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَ مَا لَنَا لَأَنزُومَنَ بِاللَّهِ وَ مَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ فَأَنآهِمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَاتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ، وقتی به آنها گفته شد به ما أنزل الله و الرسول بیایید، یافته های پدرانشان را کافی می دانند هر چند پدرانشان چیزی ندانند و هدایت نشوند، خداوند در خطاب به عیسی بن مریم به یادآوری نعمتهای بر عیسی و والده اش از جمله تأییدات روح القدس و تکلم در گهواره و بزرگسالی و تعلیم کتاب و حکمت و تورات و انجیل و خلقت از طین به شکل پرنده و دمیدن روح و شفای کور مادرزاد و پیسی و خروج مردگان به اذن الهی پرداخت و بنی اسرائیل جادو شمردند و خداوند به حواریون الهام کرد که به خداوند و رسول الهی ایمان بیاورند. حواریون به عیسی بن مریم گفت آیا خداوند مصلحت می داند مائده ای از آسمان بر ما نازل کند تا از آن بخوریم و اطمینان قلبی پیدا کنیم و عیسی بن مریم به خداوند عرض کرد: اللهم ربنا أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لأولنا و آخرا و آية منک و ارزقنا و انت خیر الرازقین پس اگر کسی بعد از این معجزه، کفر بورزد گرفتار چنان عذابی می شود که هیچ یک از جهانیان گرفتارش نشدند و بعد خداوند از عیسی بن مریم پرسید آیا تو به مردم گفتی که تو و مادرت را به عنوان اله من دون الله اتخاذ کنند و عیسی فرمود: سبحانک ما یکون لی أن أقول ما لیس لی بحق و اگر گفته باشم تو می دانستی و تعلم ما فی نفسی و لا أعلم ما فی نفسک إنک أنت علام الغیوب و من تنها به آنچه امر فرمودی به مردم گفتم و اینکه الله ربی و ربکم را عبادت کنند و من بر آنها شاهدیم و بعد از مرگ تو مراقب آنها بودی و تو بر هر چیزی گواهی. اگر آنها را عذاب کنی بندگان تو هستند و اگر آنان را بیامیزی تو عزیز و حکیم هستی.

xiii. حکمرانی توحیدی در سوره مائده عبارت از حکمرانی ولایی است که دارای دو عنصر است: عنصر اول، دو ساحت سلبی و ایجابی یا تبری و تولی دارد. ساحت سلبی عدم اتخاذ یهود و نصاری به عنوان اولیا (پیوند ناگسستگی و اعم از محبت و نصرت و زمامداری) است چون خودشان اولیا یکدیگر هستند و هر کسی ولایت آنها را بپذیرد از آنها و قوم ظالم خواهد شد و بیماران قلبی از ترس آسیب دیدن و نیز مرتدین از دین الهی نسبت به ولایت پذیری آنها، سرعت می بخشند و نیز عدم اتخاذ ولایت اهل کتاب و کفار یعنی کسانی که دین الهی و نماز را مسخره می کنند و به بازیچه قرار می دهند و به ایمان مؤمنان عیب می گیرند و

ساحت ایجابی، پذیرش ولایت الهی و رسول الله و اهل بیت عصمت و طهارت است و اینکه هر کس ولایت خدا و رسول و مؤمنان معصوم (الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکوة و هم راکعون) را بپذیرد حزب الله غالب خواهد شد. (و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اذروا فان تولیتهم فاعلموا انما علی رسولنا البلاغ المبین). عنصر دوم حکمرانی ولایی، نقش مردم مؤمن در تحقق بخشی به احکام و حدود و قواعد و اهداف حکمرانی است. (یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود، یا ایها الذین آمنوا لاتحلوا شعائر الله، تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان، الیوم یتس الذین کفروا من دینکم فلاتخشوهم و اخشون، یا ایها الذین آمنوا اذا قدمتم الی الصلاه فاغسلوا و وجوهکم و یدیکم الی المرافق، ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج، یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله، اعدلوا هو اقرب للتقوی، یا ایها الذین آمنوا اذکروه نعمه الله علیکم، و السارق و السارقه فاقطعوا یدیهما) و حکمرانی مردم مؤمن در بهره وری کمال دین و بهره بردن از وسیله برای تقرب الهی: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا، یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله).

xiv. درگیری جبهه حق و جبهه باطل در طول تاریخ هزار و چهارصدساله پس از اسلام، استمرار داشته است. الان ملت مسلمان ایران و نظام اسلامی، پرچمدار جبهه حق است و در یک صف بندی دائمی در مقابل جبهه باطل قرار دارد. جبهه حق در تلاش است که دنیا را با اخلاق صحیح انسانی بسازد و اجازه نمی دهد که عده ای زورگو، پرتوقع و فرصت طلب، بر زندگی جمع دیگری از انسان ها حکمرانی کنند. در جبهه حق، هیچ فرقی بین نژادهای انسانی نیست، همه بنده خدا و تابع فرمان او هستند و در خدمت به انسانیت، حرکت می کنند و اگر جبهه حق، راه را در مقابل خود باز ببیند، نه فقط زندگی انسان را، بلکه محیط حیات روی زمین را زیبا و آباد خواهد کرد. (۱۳۷۴/۷/۲۵)؛ منبع و منشأ حکمرانی، کتاب الهی است و آیین حکمرانی اعم از دستور و برنامه های حکمرانی، از آن و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل می کند، گرفته می شود. این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه برنامه های بشری در چهارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود. راهبری اساسی این حکمرانی بر عهده پیامبر است... این یک مسئله همگانی است برای همه ی جوامع بشری. (۱۳۸۹/۹/۴)؛ حکمرانی در منطق اسلام از بن و بنیاد با حکمرانی های رایج جهان متفاوت است؛ نه شبیه سلطنت است، نه شبیه ریاست جمهوری های امروز دنیا است، نه شبیه فرماندهی ها است، نه شبیه رؤسای کودتاگر است؛ شبیه هیچ کدام از این ها نیست؛ یک چیز خاصی است متکی به مبانی معنوی. (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)، سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن، آشرافی نبودن، مسرف نبودن، ظالم نبودن؛ نه ظالم [و نه مظلوم] (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)؛ حکمرانی وابسته، دیکتاتوری و انگلیسی (حکمرانی رضاخانی) در مقابل حکمرانی مبتنی بر استقلال، بر آراء مردم، بر اتکاء به نفس و اعتماد به نفس ملی (حکمرانی انقلاب اسلامی) (۱۴۰۰/۱/۱)؛ انقلاب وقتی تشکیل شد، هدف های بزرگی داشت: تبدیل حکمرانی فردی و استبدادی به حکمرانی مردمی؛ (۱۴۰۱/۲/۶)؛ اینکه ما در همان ساختمانی که آن طاغوت حکمرانی می کرد حکمرانی کنیم، مثل او هم عمل نکنیم که نشد، [در این صورت] ما با او فرقی نداریم. روشمان بایستی با روش بندگان شیطان و اتباع شیطان متفاوت باشد. با بیان مسایل مختلف از جمله مسئله حکمرانی اسلامی، معرفت مردم را بالا ببرید و گفتمان های انقلابی را در مردم تقویت کنید. (۱۳۹۸/۲/۱۸)؛ مقصود ما از تحول، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه ی بخش های اداری کشور و بخش های حکمرانی کشور و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه ها و روش ها و کارکردها... این جزو مسلمات این دوره از انقلاب است برای گام دوم. (۱۴۰۰/۲/۲۱)

xv. منابع متعددی درباره سیاست گذاری عمومی (public policy-making) یا خط مشی گذاری عمومی یا سیاست گذاری عمومی نگاشته و ترجمه شده است. نگارنده در چستی و فرایند سیاست گذاری از این منابع بهره برده است: ۱. ملک محمدی، حمیدرضا، مبانی و اصول سیاست گذاری عمومی؛ ۲. اسپیکر، پل، موضوعات و رهیافت های سیاست گذاری اجتماعی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی؛ ۳. مولر، پیر، سیاست گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی؛ ۴. پی، یان؛ پیترز، گای، حکمرانی، سیاست و دولت، ترجمه حسین قلجی؛ ۵. راجر، ای مکین، نظریه بازی ها و سیاست گذاری عمومی، ترجمه علی بغیری؛ ۶. ابراهیمی، سیدعباس؛ دانایی فرد، حسن، خط مشی گذاری مبتنی بر شواهد؛ ۷. عقبانی جزنی، محمد، اجرای خط مشی عمومی با رویکرد حکمرانی؛ ۸. اسمیت،